

## فهرست

- مقدمه اول: ائتلاف قدرت‌های نوظهور؛ گذار از بی‌ثباتی و ایجاد نظم نوین جهانی ..... ۴
- مقدمه دوم: کنشگری چین در نظم جدید جهانی چگونه خواهد بود؟ ..... ۷
- مقدمه سوم: ایجاد شکل جدیدی از تمدن انسانی در تعامل مثبت بین علوم انسانی و اقتصاد ..... ۹
- پیشگفتار ..... ۱۲
- فصل اول ..... ۱۴
- شکل نوین توسعه ..... ۱۴
- پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» چیست؟ ..... ۱۴
- اقتصاد بایستی همیشه به ایده توسعه مردم‌مبنا پایبند باشد ..... ۱۵
- اقتصاد از فرهنگ سستی و مطلوب چین تغذیه شده است ..... ۱۶
- اقتصاد، یکپارچگی و تعامل بین شکوفایی فرهنگی و توسعه اقتصادی را ترویج می‌کند ..... ۱۶
- هدف اقتصاد ایجاد شکل جدیدی از پیشرفت انسانی بر اساس مشاوره همگانی، مشارکت عمومی و خیر جمعی است ..... ۱۷
- چرا ایجاد پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» ضروری است؟ ..... ۱۷
- این دیدگاه برای توسعه باکیفیت است ..... ۱۷
- این پیشرفت، مسیری است که باید برای نوسازی چینی طی شود ..... ۱۷
- این برنامه، پاسخ چین به کمبودهای توسعه جهانی است ..... ۱۸
- فصل دوم ..... ۱۹
- موضوع توسعه مردم‌مبنا ..... ۱۹
۱. حکومت برای مردم: ملاقات با آرزوهای مردم برای زندگی بهتر ..... ۱۹
- به طور مداوم درآمد را افزایش دهید و در عین حال توسعه باکیفیت را ارتقاء دهید ..... ۱۹
- برآوردن نیازهای مردم برای زندگی بهتر و ترویج توسعه باکیفیت ..... ۲۰
- تضمین و بهبود رفاه مردم و در عین حال ترویج توسعه باکیفیت ..... ۲۰
۲. افزایش درآمد مردم: ترویج رفاه عمومی برای همه به‌عنوان کانون توسعه ..... ۲۱
- سیستم توزیع، سیستمی بنیادین است که رفاه عمومی را ترویج می‌کند ..... ۲۱
- تأکید بر «عموم» هم اولویت اصلی و هم چالش در دستیابی به رفاه عمومی است ..... ۲۱
- رفاه عمومی پروژه‌ای طولانی‌مدت، سخت و نظام‌مند است که نیاز به کاوش مداوم دارد ..... ۲۲
۳. وجود استعداد ضرورتی حیاتی‌تر از ثروت برای موفقیت است: در نظر گرفتن پرورش باکیفیت افراد به‌عنوان منبع قدرت ..... ۲۲
۴. هماهنگی بین انسان و طبیعت: تمرکز بر هم‌زیستی هماهنگ بین انسان و طبیعت برای توسعه ..... ۲۳
- فصل سوم ..... ۲۵
- تمرینی واضح از هم‌زیستی و هماهنگی بین علوم انسانی و اقتصاد ..... ۲۵
۱. متمدن کردن مردم از طریق فرهنگ: علوم انسانی به‌عنوان پایه‌ای محکم برای توسعه اقتصادی عمل می‌کند ..... ۲۵

|    |                                                                           |
|----|---------------------------------------------------------------------------|
| ۲۵ | ادامه تبار فرهنگی چین برای شکل‌دادن به یک فرم اقتصادی منحصر به فرد        |
| ۲۶ | شکوفایی فرهنگی موجب توسعه اقتصادی باکیفیت                                 |
| ۲۷ | تقویت اعتماد فرهنگی برای نمایش تصویر یک کشور بزرگ                         |
| ۲۸ | ۲. ترویج تجارت همراه با فرهنگ: فرهنگ بخش اساسی توسعه اقتصادی است          |
| ۲۸ | نوآوری و آفرینش فرهنگی ارزش اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد            |
| ۲۹ | رونق عرضه و تقاضای فرهنگی، نشاط اقتصادی و اجتماعی را تقویت می‌کند         |
| ۳۰ | «فرهنگ پلاس» به ارتقاء مصرف و تحول صنعتی سوخت می‌افزاید                   |
| ۳۱ | ۳. توانمندسازی فرهنگی: فرهنگ موجب توسعه اقتصادی می‌شود                    |
| ۳۱ | برانگیختن انگیزه معنوی                                                    |
| ۳۲ | تحقق هدایت ارزش                                                           |
| ۳۳ | افزایش اثربخشی توسعه                                                      |
| ۳۴ | ۴. حمایت قوی: توسعه اقتصادی مفهوم فرهنگی را غنی می‌کند                    |
| ۳۴ | توسعه اقتصادی ارزش فرهنگی ایجاد می‌کند                                    |
| ۳۵ | توسعه اقتصادی، محیط فرهنگی را می‌سازد                                     |
| ۳۵ | توسعه نوآورانه، روح انسان‌گرایی را شکل می‌دهد                             |
| ۳۷ | فصل چهارم                                                                 |
| ۳۷ | روش‌شناسی توسعه یکپارچه علوم انسانی و اقتصاد                              |
| ۳۷ | ۱. درک رابطه بین ماده و روح                                               |
| ۳۸ | الزامات نوسازی سوسیالیستی و مفهوم عمیق پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» |
| ۳۸ | ۲. درک رابطه بین سنت و مدرنیته                                            |
| ۳۹ | ۳. درک رابطه بین کارایی و تعادل                                           |
| ۴۰ | ۴. درک رابطه بین خودتکایی و یادگیری متقابل                                |
| ۴۲ | فصل پنجم                                                                  |
| ۴۲ | کمک به جهان: ایجاد شکل جدیدی از پیشرفت بشر                                |
| ۴۲ | ۱. ترویج «بازگشت انسانی» اقتصاد                                           |
| ۴۳ | ۲. شکستن «پارادوکس انسانی» رشد اقتصادی                                    |
| ۴۳ | ۳. ارائه «تاب‌آوری انسانی» به اقتصاد جهانی                                |
| ۴۴ | ۴. به‌ارث‌بردن و انتقال «ژن‌های انسان‌گرایانه» در فرهنگ سنتی              |
| ۴۵ | ۵. ترویج «توافق انسانی» جامعه با آینده مشترک برای بشریت                   |
| ۴۷ | نتیجه                                                                     |
| ۴۷ | چه بر سر دنیا آمد؟ انسان‌ها باید به کجا بروند؟                            |
| ۴۸ | توضیحات و تقدیرنامه                                                       |



## مقدمه اول: ائتلاف قدرت‌های نوظهور؛ گذار از بی‌ثباتی و ایجاد نظم نوین جهانی

نویسنده: امیرمحمد اسماعیلی

پایان جنگ جهانی اول سبب تجزیه مرد بیمار اروپا توسط قدرت‌های متفق شد. «امپراتوری عثمانی» که مدت‌ها از شروع انحطاطش می‌گذشت، نهایتاً با توسعه‌طلبی قدرت‌های غربی از هم پاشید و دولت-ملت‌هایی شکل گرفتند که ملت‌های آن کم‌ترین دخالتی در تعیین سرنوشت خود و تعیین مرزهای سرزمینی‌شان نداشتند. در واقع، این کشورهای به ظاهر متمدن اروپایی بودند که برای آبادانی اجباری، هدایت امور ملت‌های به ادعای آنها نامتمدن اما برخوردار از تاریخ چند هزار ساله را به دوش گرفتند. در آن بازه زمانی، پادشاهی ایران و عثمانی که دوران انحطاط خود را تحت حکومت‌های استبدادی طی می‌کردند، توان و اراده مقابله با این تهاجم متمدنانه را نداشتند.

شروع تاریخ معاصر غرب آسیا با معاهداتی همراه شد که دارای مؤلفه‌ای اساسی بودند و آن عبارت بود از عدم مشارکت ملت‌ها و دولت‌های منطقه و تصمیم‌گیری بیگانگان بدون در نظرگیری منافع ملت‌های ساکن در این حیطه جغرافیایی. معاهداتی نظیر «سایکس-پیکو»، «سور» و «بالفور» در این دسته قرار می‌گیرند. در این میان، در تاریخ معاصر می‌توان به نامه‌های ردوبدل شده میان «شریف حسین» و «ماکماهون» نیز اشاره کرد. نمونه‌ای از تلاش‌های قدرت‌های غربی برای تزریق ایدئولوژی ناسیونالیست با روح غربی که به‌سختی می‌توان برای آن نمونه‌ای در تاریخ چند هزارساله منطقه جعل کرد. این ناسیونالیسم که نهایتاً با بدعهدی به شریف حسین خاتمه یافت، مرزهای جدیدی را بدون نظر اعراب و ملت‌های تحت حکومت عثمانی ترسیم کرد. میراث این مداخله‌های متمدنانه چیزی جز کاشته شدن تخم منازعات پیاپی برای ملت‌های منطقه نبود. بر این اساس، غرب آسیا به نحوی مهندسی شد تا این منطقه برای سال‌های متمادی درگیر بی‌ثباتی و منازعات باشد. این مناقشات، منافع غرب را در محیط بی‌ثبات غرب آسیا آسان‌تر دنبال می‌کرد.

اما این پایان کار مداخله جویی‌های غرب در منطقه به منظور تأمین منافع نبود. در طول جنگ سرد نیز منطقه غرب آسیا از جایگاه ویژه‌ای در معادلات بین‌المللی دو بلوک شرق و غرب، به‌ویژه برای ایالات متحده برخوردار شد. از یک‌سو ذخایر غنی نفتی و از سوی دیگر تلاش شوروی جهت نفوذ در غرب آسیا دلایل اصلی اهمیت آن برای واشنگتن بود. با فروپاشی شوروی در دهه ۹۰ میلادی، بحث ظهور قدرت هژمونیک در نظام بین‌الملل بیش از پیش مطرح شد.

بعد از فروپاشی شوروی، ایالات متحده منافع خود را در بی‌ثباتی از طریق طراحی جدید و نه با مرزبندی‌های سایکس-پیکو دنبال کرده است. در همین راستا، آمریکا با مطرح کردن «نظم نوین جهانی» درصدد تقویت این خواسته گام برداشت. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ پس از حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱، اولین نمودهای اجرای این طرح بود. عدم اشراف و توجه طراحان سیاست خاورمیانه بزرگ، بر عوامل جامعه‌شناختی در منطقه، تأثیرات شگرفی را بر سرنوشت طرح مزبور بر جای گذاشت تا جایی که مردم جهان عرب، در دهه دوم قرن بیست و یک، متأثر از «بیداری اسلامی» و یا به تعبیر آمریکا «بهار عربی»، به صحنه آمدند. از زمانی که موج تغییرات عربی از تونس آغاز شد، رهبران آمریکا رویکردهای متفاوتی را در قبال این دگرگونی‌ها اتخاذ و تلاش کردند تا با همراهی این تحولات، آن را مدیریت کرده و از این طریق مانع به خطر افتادن منافع بلندمدت آمریکا در غرب آسیا شوند. در سال‌های بعد، آمریکا سیاست‌های چندگانه و بعضاً متناقضی را در قبال تحولات در کشورهای مختلف عربی، تحت عنوان ایجاد خاورمیانه جدید در پیش گرفت.

در مجموع، با بررسی تاریخ معاصر غرب آسیا می‌توان استدلال کرد که قدرت‌های غربی منافع خود را در بی‌ثباتی منطقه دنبال کرده‌اند. معاهده سایکس-پیکو، سور، بالفور، فروپاشی امپراتوری عثمانی، منازعه در فلسطین، سرنگونی دولت ملی مصدق و حمایت

از استبداد شدید پهلوی، کودتاهای متعدد در کشورهای منطقه در جنگ سرد، تزریق و دامن زدن به جریان‌های ناسیونالیستی، حمایت از رژیم بعث در شروع و ادامه جنگ با ایران، حمله به افغانستان، حمله به عراق، خلأ قدرت در این کشورها و ظهور گروه‌های افراطی - تروریستی نظیر القاعده و داعش، حمایت از دعای جدایی طلبانه منطقه‌ای، دخالت در امور حاکمیتی دولت‌ها، ترور شخصیت‌های رسمی دولتی، استفاده از ابزارهای رسانه‌ای غرب برای ایجاد التهاب و آشوب در کشورهای مخالف، بهره‌گیری از ابزار تحریم اقتصادی، حمله به لیبی و تقسیم آن، حمایت از ائتلاف سعودی علیه یمن در شش سال اخیر، فروش سنگین تسلیحات به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و غیره از جمله شواهدی است که می‌توان به آنها استناد کرد و نتیجه گرفت که نقش قدرت‌های غربی، نقش اصلی مخرب در بی ثباتی منطقه‌ای بوده است.

حوادث به وقوع پیوسته در منطقه در دهه دوم قرن بیست و یک از پویایی‌های جدیدی در این عرصه جغرافیایی خبر می‌دهد. در واقع، منطقه غرب آسیا در دهه اخیر به سوی نظم نوینی حرکت کرده است که در طی آن برخی مؤلفه‌های نظم پیشین تغییر کرده یا در حال تغییر به مؤلفه‌های جدیدی است. از سویی دیگر، پویایی‌های عرصه جهانی نیز حاکی از تغییر در نظم جهانی و برجسته‌تر شدن نقش بازیگران آسیایی است. در این میان، برخی صاحب‌نظران روابط بین‌الملل معتقدند که نظام پس‌آمریکا شروع شده و باید منتظر نظام بین‌الملل چندقطبی در جهان باشیم که بازیگران دیگر نیز در آن به ایفای نقش می‌پردازند. بنابراین، پویایی‌های جهانی و منطقه‌ای از شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای و نظم چندقطبی در عرصه جهانی خبر می‌دهند که ساختارهایشان خود را ظاهر کرده‌اند.

### ثبات؛ پیش درآمد توسعه در غرب آسیا

در سفر اخیر وزیر امور خارجه چین به ایران، سند راهبردی ۲۵ ساله میان دو قدرت نوظهور شرقی به امضا رسید؛ سندی که مسیر تعاملات میان دو کشور را مشخص می‌کند. چین در سال‌های اخیر بر پایه پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز به ایجاد روابط متقابل با کشورهای مختلف مبادرت کرده است. احترام متقابل نسبت به حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم ستیزه‌جویی متقابل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، برابری و منفعت متقابل و نهایتاً همزیستی مسالمت‌آمیز، پنج اصلی بوده که چین در سیاست خارجی خود به عنوان سنگ بنا قرار داده است. امضای این سند راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و چین به عنوان قدرت چالش‌گر در عرصه نظم هژمونیک غرب، در فضای گذار به نظم منطقه‌ای و جهانی برای هر دو کشور مهم و تأثیرگذار خواهد بود. افزایش روابط دو قدرت نوظهور شرقی می‌تواند برای هر دو کشور که رویکرد ضد استعماری و ضد امپریالیستی دارند، منافع متعددی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت به دنبال داشته باشد.

چنانچه پیشتر گفته شد؛ قدرت‌های غربی مداخله در امور ملت‌های منطقه را اصلی اساسی در رویه سیاست خارجی خود در طول یک قرن اخیر تلقی کرده‌اند و هدف آن‌ها منفعت یک‌جانبه دولت‌های خود و نه دولت‌های منطقه بوده است. اما بر پایه رویکرد چینی در قبال روابط بین‌الملل، جایگاه چین در غرب آسیا ایجاب می‌کند که این کشور منافع خود را در ثبات منطقه ببیند. لذا سیاست خارجی این کشور برخلاف قدرت‌های غربی، تأمین منافع ملی در راستای منافع ملت‌های منطقه است. به عبارتی دقیق‌تر، قدرت‌های غربی منافع خود را در بی‌ثباتی منطقه غرب آسیا تعریف کرده‌اند و این رویه از ابتدای حضور و مداخله‌های آن‌ها ادامه یافته، در حالی که چین منافع خود را در ثبات منطقه تعریف می‌کند. ابتکار یک کمر بند یک جاده تنها در منطقه‌ای با ثبات قابل پیگیری است. بی‌شک ثبات، پیش درآمدی بر توسعه منطقه‌ای در غرب آسیا خواهد بود و قدرت‌های غربی از این حقیقت آگاهی دارند. لذا طبیعی است که این ائتلاف راهبردی منافع غرب را دچار چالش اساسی کند. به ویژه بعد اینکه غرب نتوانست عملاً اعتماد ملت‌های منطقه، به‌ویژه دولت و ملت ایران را در تأمین منافع جمهوری اسلامی از طریق برجام حفظ کند و بیشتر به سیاست‌های لفاظانه و نه عملیاتی ادامه داد. در آینده این سوال باید پاسخ داده شود که این دو قدرت نوظهور شرقی که به دنبال ثبات منطقه‌ای هستند چگونه می‌توانند با عوامل بر هم زنده ثبات که منشأی خارجی دارند، مقابله کنند؟ طبیعی است که آمریکا و متحدان

منطقه‌ای و غربی‌اش به راحتی اجازه نخواهند داد تا منطقه ثبات و نظم منطقه‌ای را خارج از منافع و مداخله جویی‌های آن‌ها دنبال کند.

## مقدمه دوم: کنشگری چین در نظم جدید جهانی چگونه خواهد بود؟

نویسنده: محمدرضا مرادی<sup>۱</sup>

بعد از جنگ جهانی دوم و ظهور وضعیت تک قطبی در عرصه روابط بین الملل که همان قدرت گیری آمریکا به عنوان قدرت بلامنازع در دنیا بود، واژه‌های در فرهنگ سیاسی دنیا شکل گرفت با عنوان «پکس آمریکا [۱]». این پدیده به معنای شکل گیری صلح در جهان ناشی از حضور آمریکا در رأس قدرت و رهبری جهان بود. بعد از مدتی این واژه به معنای صلح آمریکایی درآمد و نشان می داد در هر نقطه از دنیا که آمریکا حضور داشته باشد، وضعیت به سمت صلح و ثبات خواهد رفت. برنامه مارشال و هزینه کرد ۱۳ میلیارد دلار از مالیات‌های مردم آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در قاره اروپا و کشورهایی که متأثر از جنگ شده بودند، نشان از این داشت که آمریکا غیر از صلح می‌تواند توسعه و شکوفایی را نیز با خود به همراه داشته باشد.

البته طولی نکشید که این واژه به کلی معنای خود را از دست داد و آمریکا با وارد شدن به جنگ سرد و بعد از آن جنگ ویتنام و دخالت‌های بی‌رویه‌اش در مسائل داخلی منطقه غرب آسیا و به راه انداختن جنگ اول و دوم خلیج فارس، تفکرات در این باره را به کلی تغییر داد. حالا دیگر از ایالات متحده با نام «پاکس آمریکن [۲]» یاد می‌شد؛ یعنی کشوری که مانند یک بیماری خطرناک و با شیوع بالا (آبله) به جان دنیا افتاده است. جنگ‌های بی‌پایان آمریکا در سراسر دنیا به خصوص منطقه غرب آسیا، نشان داد این واژه به شدت در مورد آمریکا مناسب است.

از چند سال گذشته تاکنون، آمریکایی‌ها تلاش دارند به جنگ‌های بی‌پایان خود در منطقه و کل جهان پایان دهند. دونالد ترامپ برای اولین بار این مسئله را مطرح ساخت و گفت ۷ تریلیون دلار هزینه در منطقه خاورمیانه، تنها بدنامی برای آمریکا به همراه آورده است. جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده نیز با اشاره به جنگ‌های آمریکا در منطقه گفت مشکل اینجاست که حالا سربازانی را به افغانستان و عراق می‌فرستیم که در زمان حوادث ۱۱ سپتامبر هنوز به دنیا نیامده بودند و نمی‌دانند چرا مجبورند در این کشورها بجنگند. شاید نگاهی به سخنوری‌های رؤسای جمهور آمریکا نشانی از این باشد که ایالات متحده در حال رفتن به سمت «ایجاد صلح آمریکایی» در دنیا است. با این حال نگاهی به عملکرد دولت ایالات متحده در ماجرای جنگ اوکراین نشان می‌دهد، آمریکا همان آمریکای جنگ افروز است و همین تغییر نکردن رویکرد در دولت‌های مختلف آمریکا باعث شده است که دنیا به سمت بی‌توجهی به این کشور برود. همین بی‌توجهی به جایگاه ایالات متحده در مسئله صلح آفرینی و مدیریت جهان است که روسیه را وادار می‌سازد به فکر حفاظت از منافع ملی خود باشد و بدون توجه به عواقبی که این جنگ برای مردم و اقتصادش در پی دارد، به سمت جنگ با اوکراین پیش برود.

در چین نیز اوضاع بر همین منوال است. دهه‌ها بی‌اعتمادی به آمریکا و تردید داشتن نسبت به اینکه آمریکا دیگر سعی دارد وارد جنگی عظیم در دنیا نشود، در نهایت چین را به این نتیجه رسانده است که باید خود به فکر حفاظت از منافع خود در دریای چین جنوبی، تایوان و یا سایر نقاط دنیا باشد. این بی‌اعتمادی به آمریکا رؤسای جمهور این کشور در جنگ اقتصادی چند سال گذشته با پکن است که رهبران چین را به این نتیجه رسانده است باید به فکر پیشبرد اهداف اقتصادی خود در سراسر دنیا بدون توجه به ماهیت و اقدامات دولت آمریکا در دنیا باشند. همین بی‌توجهی به آمریکا و اعتماد نداشتن به این کشور به عنوان یک «بازیگر منطقی» در عرصه جهانی به احتمال زیاد باعث ایجاد رقابت‌های منطقه‌ای و در عین حال ایجاد نظم جدید در عرصه بین‌الملل می‌شود. نظمی که در آن دیگر آمریکا نه رهبر جهان است، نه مدیریت جهان را در دست دارد و نه حتی پلیس جهان است؛ آمریکا در این نظم جدید، بازیگری است مانند سایر بازیگران بین‌المللی که تنها به منافع خود فکر می‌کند و برای رسیدن به اهداف ملی

<sup>۱</sup>. پژوهشگر و دبیر بین الملل خبرگزاری مهر

خود، از متحدانش یا سازمان‌های بین‌المللی نیز سوءاستفاده کرده و نهایت بهره را از آن‌ها می‌برد. این کار در نهایت باعث ناکارآمدی این سازمان‌ها می‌شود؛ همان‌طور که سازمان ملل متحد و شورای امنیت این سازمان در بحران اوکراین ناکارآمد بودند و ناکارآمدی خود را به‌وضوح ثابت کردند.

چین در نظم جدید جهانی، قرار نیست مانند آمریکا نقش پلیس بین‌الملل و یا مدیر و حتی پلیس جهان را ایفا کند بلکه به دنبال بهترین فرصت برای افزایش نفوذ و قدرت اقتصادی خود در سراسر دنیا است. این مسئله تاکنون نیز به‌صورت چراغ خاموش با استراتژی «خیز صلح‌آمیز» دنبال می‌شد اما اخیراً اخباری از فعالیت‌های نظامی چین منتشر می‌شود که باعث ایجاد نگرانی‌هایی در غرب نیز شده است. قراردادهای نظامی چین با «جزایر سلیمان» و یا تدارکات سنگین ارتش این کشور برای حمله نظامی به تایوان برای بازگرداندن این منطقه به خاک مادری، همه نشان می‌دهد، نظم جدید جهانی مبتنی بر فعالیت نظامی توسط قدرت‌های منطقه‌ای برای حفظ منافع ملی‌شان است.

چین می‌تواند به‌آسانی از موقعیت جدید پیش‌آمده و نظم جدید استفاده کرده و خیزش خود را این بار به‌صورت صلح‌آمیز و یا غیر صلح‌آمیز پیش ببرد. این مسئله نشان می‌دهد شاید سیاست‌های آمریکا در حال متمایل کردن چین به سمت استفاده از قوه قهریه در روابط بین‌الملل است. اگر روسیه مجبور بود برای مقابله با شیطنتها و دسیسه‌های آمریکایی به اوکراین حمله کند و هزینه‌های تحریم‌های اقتصادی غرب را نیز بپردازد، شاید ارسال مهمات و سلاح‌های سنگین به تایوان توسط آمریکا و آموزش نیروهای نظامی این منطقه توسط ارتش ایالات‌متحده، در نهایت چین را به این نتیجه برساند که باید این کشور هم از طریق قدرت‌نمایی نظامی به اهداف خود برسد. جرقه این کار البته نه توسط سیاست‌گذاران چینی، بلکه توسط دولت بایدن زده شد؛ همان‌جا که قرارداد ساخت زیردریایی هسته‌ای برای استرالیا را از فرانسه گرفته و خود اجرایی کرد. این مسئله و پیمان آکوس نشان داد دولت ایالات‌متحده به‌صورت مستقیم وارد میدان مقابله با چین شده است و حالا شاید چینی‌ها هم به این نتیجه رسیده‌اند با مستقر کردن امکانات و تجهیزات نظامی‌شان در جزایر سلیمان و یا قرارداد نظامی بستن با سایر کشورهای منطقه، به فکر حفاظت از منافع خود باشند. نظم جدید جهانی در بین قدرت‌های دنیا (یا قدرت‌های منطقه‌ای) ممکن است به‌آرامی و به همراه صلح شکل بگیرد و چند جنگ منطقه‌ای – که در نهایت به نبرد نیابتی آمریکا با قدرت‌های منطقه‌ای مانند روسیه و چین تبدیل می‌شود – نتیجه دوران گذار به نظم جدید جهانی را مشخص سازد.

چین و روسیه به‌عنوان کشورهای ابرقدرت و اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌خوبی ضرورت ویژگی‌های این نظم جدید را شناخته‌اند و به همین دلیل است که در بیانیه‌ای مشترک از این نظم جدید و مشکلات نظم پیشین جهانی سخن گفته‌اند.

نکته جالب‌توجه این است که اروپا نیز به این نتیجه رسیده است که باید مقتضیات نظم جدید را بپذیرد و ان، داشتن قدرت نظامی منطقه‌ای به‌عنوان ارتش اروپایی است. در نظم جدید جهانی به‌احتمال زیاد قدرت نظامی، تکنولوژیکی و اقتصادی به‌عنوان سه ضلع اصلی قدرت، به نمایش گذاشته می‌شوند و کشورهایی می‌توانند در این نظم جدید جهانی اثرگذار بوده و خود را به‌عنوان قدرت منطقه‌ای معرفی کنند که در این سه محور حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشند. پکس امریکانا که به معنای «صلح آمریکایی» بود، حالا سال‌هاست که معنای اصلی خود را از دست داده است. این روزها، روزهای دوران «پاکس آمریکا» است، یعنی بیماری دانستن ایالات‌متحده و تلاش برای رهایی از سلطه این قدرت بر سازمان‌های بین‌المللی و تحولات بین‌الملل و وارد شدن به نظمی که مبتنی بر رویش قدرت‌های منطقه‌ای در کل جهان است.



## مقدمه سوم: ایجاد شکل جدیدی از تمدن انسانی در تعامل مثبت بین علوم انسانی و اقتصاد

نویسنده: فو هوا<sup>۲</sup>

چینی‌های باستان مثل معروفی داشتند که می‌گفت: با استفاده از استعدادها می‌توان دنیا را مدیریت کرد به طوری که همه مردم بهره ببرند. توجه به انسان برای دستیابی به ثبات در کشور همواره مهم بوده است. علوم انسانی و اقتصاد با هم مرتبط هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. همچنین، هر دو مربوط به توسعه تاریخی و شکوفایی تمدن و پیشرفت بشر است. از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، رئیس‌جمهور چین شی جی پینگ، یک‌سری سخنرانی‌های مهم در مورد موضوعات اصلی مرتبط با علوم انسانی و اقتصاد ارائه کرده است. وی خاطرنشان کرد: دستیابی به آرزوهای مردم برای زندگی بهتر از عوامل مهم فرهنگ‌سازی است. در مسائل اقتصادی باید به تاریخ مراجعه کرد.

فرهنگ و اقتصاد، هر دو، قابل احترامند. در دو نشست چین در سال ۲۰۲۳، شی جی پینگ، رئیس‌جمهور چین خاطرنشان کرد: جایی که فرهنگ بسیار توسعه یافته است، اقتصاد جلوتر است. در دوره و سفر جدید تحت اندیشه شی جی پینگ در مورد سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای یک دوره جدید، حزب کمونیست و مردم چین پیوسته مسیر مدرنیزاسیون چین را گسترش داده‌اند. از طریق تعامل مثبت بین علوم انسانی و اقتصاد، چین به سمت توسعه با کیفیت بالا حرکت کرده است، شکل جدیدی از تمدن انسانی ایجاد کرده و به دستاوردهای مشهور جهانی دست یافته است. در این عمل بزرگ، پارادایم جدیدی از توسعه به عنوان علوم انسان‌شناسی در دوران مدرن به تدریج شکل گرفته است. در مسیر مدرنیزاسیون، انسان‌شناسی به علوم انسانی به عنوان پایه و اساس آن اهمیت زیادی می‌دهد، توسعه اقتصادی و شکوفایی فرهنگی را در هم می‌آمیزد و مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز را نشان می‌دهد.

انسان‌شناسی در دوران مدرن بر همزیستی «فرهنگ» و «اقتصاد» تمرکز دارد. جناب آقای شی با تأکید بر اینکه توسعه اقتصادی پشتوانه‌ای قوی برای بقای تمدن است، خاطرنشان کرد: فرهنگ پشتوانه مهمی برای ارتقای توسعه با کیفیت است. وی تصریح کرد: پاسخگویی به چالش‌های مشترک و حرکت به سوی آینده‌ای بهتر، هم به توان اقتصادی و فناوری و هم به توان فرهنگی و تمدنی نیاز دارد. این امر به ما روشن می‌کند که مبنای اقتصادی روبنا را تعیین می‌کند و قدرت اقتصادی مبنای مادی را برای قدرت فرهنگی فراهم می‌کند تا اثربخشی خود را اعمال کند. در عین حال، قدرت فرهنگی می‌تواند به طور ماهرانه‌ای در قدرت اقتصادی ادغام شود و به تقویت‌کننده شکوفایی اقتصادی تبدیل شود. اقتصاد باید در علوم انسانی ادغام شود و علوم انسانی باید اقتصاد را تغذیه کند. علوم انسانی و اقتصاد باید مکمل یکدیگر باشند.

آنها آنها را تشویق می‌کنند تا با هم رشد کنند، همزیستی کنند و شکوفا شوند و یکدیگر را کامل کنند. علوم انسان‌شناسی بازگشت «توسعه» را در قالب «مردم محوری» در عصر مدرن ترویج می‌کند. رئیس‌جمهور شی با اشاره به اینکه مردم نیروی محرکه اساسی توسعه هستند، ایده توسعه مردم محور را مطرح کرد. وی تأکید کرد: ارتقای سطح رفاه مردم، ارتقای توسعه همه جانبه مردم و پیشرفت مستمر به سمت رفاه مشترک باید هدف و مبنای اصلی توسعه اقتصادی باشد. این بحث‌های مهم که بر روی قرار دادن افراد متمرکز است اولاً آنها اصرار دارند و فراتر از دیدگاه دیدن اعداد اما نه افراد و دیدن چیزها اما نه افراد هستند، به این پیشنهاد مهم پاسخ می‌دهند که توسعه برای کیست، چه کسی به آن تکیه می‌کند. توسعه و اینکه چه کسانی در ثمرات توسعه

<sup>۲</sup>. رئیس‌خبرگزاری شینهوا

از دیدگاه «مردم» سهیم هستند، این نشان دهنده جهت گیری ارزشی انسانی توسعه است. ما باید به نیت اصلی توسعه برگردیم، توسعه مردم محور را تقویت کنیم تا فرصت های توسعه را برابرتر کنیم و ثمرات توسعه را برای همه به اشتراک بگذاریم.

رئیس جمهور شی گفت: در عصر مدرن، علم انسان شناسی توانایی ترکیب "سنت" و "مدرنیته" را دارد، رئیس جمهور چین گفت: مدرنیزاسیون چین به تمدن چینی قدرت مدرنیته داد و تمدن چین جزئیات ملموسی به مدرنیزاسیون چین داد و تاکید کرد که ایدئولوژیک مفاهیم روح انسان گرایانه و هنجارها اخلاق در چینی سنتی عالی نهفته است. فرهنگ نه تنها ذهن و روح مردم چین است، بلکه ارزش مهمی در حل مشکلات بشریت دارد. این مجموعه از هدایای مهم از گذشته استفاده کرده و حال را زینت بخشیده و حق را حفظ کرده و امر نو را گشوده و به مسیر مدرنیزاسیون به سبک چینی عقل و قوت بخشیده و راه حلی چینی برای مشکلات عمده پیش روی توسعه جهانی ما ارائه کرده است. توسعه خلاقانه و نوآورانه فرهنگ سنتی. اقتصاد انگیزه پایان ناپذیری برای توسعه از طریق علوم انسانی می دهد.

این علوم از نظر مفهومی غنی و از نظر معنایی گسترده هستند و معدن غنی را در اختیار ما قرار می دهند. خبرگزاری شینهوا بر اساس تحقیقات و بازدیدهای گسترده، تحلیل عمیق و استدلال گزارش افاق فکر.

عنوان «انسان شناسی در دوران مدرن شکل گرفته است. از منظر نظری، این گزارش با استناد به نتایج پژوهش های فلسفه اقتصادی و جامعه شناسی چین و خارجی، و با استناد به حکمت سنتی چین از جمله دولت برای پرورش مردم، ثروتمند کردن مردم است. صلاحیت با استعداد حاصل می شود و کار با استعداد و وحدت بهشت و انسان میسر می شود و اقتصاد اومانستی در عصر جدید را با نقطه شروع «چی» و «چرا» تفسیر می کند اینها کلید درک مدرنیزاسیون به سبک چینی هستند.

این گزارش عملکرد روشن اقتصاد انسان گرایانه در چین در عصر جدید را در زمینه های فراگیر چند سطحی و گسترده از منظر عمل از طریق داده های موردی دقیق، داستان های غنی و جزئیات روشن جنبه های عملی ارائه می کند. ساخت کمربند و جاده، شهرسازی و توسعه صنعتی و فرهنگی و غیره نیز ویژگی های بارز علوم انسانی و اقتصاد را در قالب «آمیختگی و تعامل ادغام و توسعه» و اهمیت اقتصاد علوم انسان شناسی در عصر جدید تبیین می کند.

دوره جدید نشان می دهد. از منظر روش شناختی، این گزارش بر سه عنصر اصلی مردم، فرهنگ و اقتصاد، نقطه تمرکز دارد. آغاز، نقطه تمرکز، منبع نیرو و نقطه پشتیبان اقتصاد اومانستی در عصر جدید را از هم جدا می کند. پرداختن به این چهار عنصر را پیشنهاد می کند. جفت روابط، اعم از مادی و معنوی، سنت و مدرنیته، کارآمدی و انصاف، خودکفایی و درک متقابل، در نهایت، روش شناسی یکپارچگی و توسعه اقتصادی انسانی.

خلاصه و مرجع قدرتمندی برای درک و تمرین علوم انسان شناسی در دوران مدرن ارائه می دهد. این گزارش از منظر جهانی به دیدگاه جهانی و جهت گیری مسئله و از کلیدواژه های «بازگشت انسان گرایی»، «پارادوکس انسان گرایانه»، «تاب آوری انسان گرایانه»، «ژن های انسان گرایانه» و «اجماع انسان گرایانه و...» پایبند است. از حوزه های توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی و نوآوری مهم فرهنگی وحی استفاده می کند که نشان دهنده انسان گرایی در عصر جدید ناشی از پیشرفت بشر است و نشان می دهد که اومانسیم در عصر جدید از چین سرچشمه می گیرد و از نظر سهم جهانی به جهان تعلق دارد. «مطالعه علوم انسان شناسی در دوران مدرن، موضوعی طولانی مدت است رسانه ها و افاق های فکر در سراسر جهان برای تقویت ارتباطات و همکاری، برای انجام بهتر ماموریت تاریخی ترویج ارزش های مشترک همه بشریت، افزایش درک، و تفاهم بین کشورها و کمک به خرد و قدرت در ساختن جامعه سرنوشت انسان است.



## پیشگفتار

۱۵ آگوست ۲۰۲۳، برای اولین بار در چین به‌عنوان روز ملی اکولوژی نام‌گذاری شد. در این روز، اربک سوله‌ایم، معاون سابق دبیرکل سازمان ملل متحد و مدیر اجرایی برنامه محیط‌زیست سازمان ملل، از شهرستان آنجی، در شهر هوژو واقع در استان ژجیانگ، بازدید کرد. در این بازدید، او دریافت که آنجی باغ‌های بامبو را به «بانک‌های کربنی» تبدیل کرده است. این تغییر بر اساس ایده «آب‌های شفاف و کوه‌های سرسبز دارایی‌های ارزشمندی هستند»، شکل گرفته است. همچنین سوله‌ایم متوجه این نکته شد که چین هوای پاک را به‌عنوان «طلای واقعی» نامیده است. چنین اقدامی منجر شد تا رونقی در زمینه فرهنگی و اقتصادی در جهت دستیابی به محیطی سبزتر و پاک‌تر حاصل شود. در سه‌ماهه‌ی اول سال ۲۰۲۳، درآمد گردشگری و فرهنگی در آنجی به ۱۰.۵۵ میلیارد یوان رسید. علاوه بر این، هم‌آیندی فرهنگ با زیست‌بوم بی‌نظیر چین، باعث شد تا شرکت‌های فناوری اطلاعات و دیجیتال جذب بازار چین شوند به‌نحوی که شش شرکت خارجی، سهام خود را در چین، به‌صورت اولیه، عرضه کردند؛ اقدامی که انتظار می‌رود به توسعه اقتصادی آنجی قدرت بخشد.

دگرگونی‌های پیش‌آمده در آنجی، **دریچه‌ای** است که از دل آن می‌توان **جهان‌بینی منحصر به فرد، ارزش‌ها، دیدگاه‌های تاریخی، دیدگاه‌های فرهنگی و مفاهیم زیست‌محیطی بنیادین** را در فرایند نوسازی<sup>۳</sup> چینی مشاهده کرد. اگر به سابقه تمدن فرهنگی چین نگاه بیندازیم، روشن می‌شود که مسیر نوسازی در چین، هیچ‌گاه، نسبت به این موضوع، «**سرد و بی‌تفاوت**» نبوده و در عوض، همواره، بر عامل «انسانی» متمرکز بوده است. به این ترتیب، نوسازی چینی، به هماهنگی درونی بین دو مولفه «خلاقیت» و «ارزش» دست یافته است. در حال حاضر، چین پارادایم جدیدی را در توسعه اجرا می‌کند؛ پارادایمی که می‌توان آن را «پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»» نامید. بر اساس این پارادایم، باید عوامل انسانی را با نوسازی اقتصادی و شکوفایی فرهنگی یکپارچه کرد و از منظر «انسانی» به این پرسش‌ها پاسخ داد:

- توسعه برای کیست؟
- توسعه به چه کسی متکی است؟
- مزایای توسعه به چه کسانی سود می‌رساند؟

پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» ریشه در **اندیشه‌های شی جین پینگ**، درباره سوسیالیسم (از نوع تجربه چینی آن) دارد و اولاً، مردم را در اولویت قرار می‌دهد و در ثانی، از ایده یکپارچه و وابستگی متقابل علوم انسانی و اقتصاد پشتیبانی می‌کند. این ایده، می‌تواند **عنصر مادی نیرومند و انگیزه معنوی پایدار** را برای دستیابی به نوسازی چینی، ساخت تمدن مدرن چین و همچنین ایجاد شکل جدیدی از دستاوردهای انسانی فراهم کند.

چین، ایده اصلی در این پارادایم را «**در اولویت قرار دادن مردم**» می‌داند و آن را اولویت اصلی در مسیر نوسازی چینی تلقی می‌کند. این کشور با پیروی از این ایده مرکزی، روی «**برآوردن نیازهای مردم برای زندگی بهتر**»، «**تلاش برای رفاه عمومی همگانی**»، «**گسترش توان نیروهای انسانی برای دستیابی به هدف‌های کلان‌تر**» و «**هم‌زیستی هماهنگ بین انسان و طبیعت**» تمرکز دارد.

همچنین، پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به ایده «توسعه اقتصادی براساس ارزش‌های انسانی» عمق می‌بخشد و بر پیش‌برد هم‌زمان علوم انسانی و اقتصاد تمرکز دارد. در این ایده، فرهنگ، به‌عنوان پایه و تسهیل‌گری نیرومند در توسعه اقتصادی باکیفیت در نظر گرفته می‌شود. شکوفایی فرهنگی می‌تواند الهام‌بخش توسعه مردمی، اقتصاد و جامعه باشد و نیازهای گوناگون و چندوجهی مردم را در سطوح مختلف و در مسیر نوسازی برآورده کند.

<sup>3</sup>. Modernization

همچنین باید گفت که پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» روش‌شناسی دقیقی را دنبال و بر سه عنصر اصلی تمرکز می‌کند: **مردم، فرهنگ و اقتصاد**. همچنین، بر رابطه دیالکتیکی بین ماده و روح، وراثت و توسعه، سنت و نوسازی، تعادل و کارآمدی و خوداتکایی و یادگیری متقابل تأکید می‌کند. این دیدگاه، از نوسازی عینی با «اشیا» به‌عنوان حامل، فراتر می‌رود و بر نوسازی ذهنی با «مردم» به‌عنوان حامل تمرکز می‌کند.



شکل ۱؛ پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» بر سه عنصر اصلی تمرکز می‌کند

باوجود این که چین، مبتکر این پارادایم است، دستاوردهای نوآورانه و فرصت‌های برآمده از آن در ارستای برای تحقق نوسازی می‌تواند به همه جهان خدمت کند. این دیدگاه، به فراخوان «بازگشت به انسان» که در اقتصاد شنیده می‌شود، پاسخ می‌دهد. همچنین، این دیدگاه «تضادهای انسانی» برآمده بر اثر رشد اقتصادی را در هم می‌شکند و تاب‌آوری اقتصاد جهانی را با اتکاء به مردم را افزایش می‌دهد. این دیدگاه مولفه‌های انسان‌گرایانه‌ی موجود در فرهنگ سنتی چین را بیرون می‌آورد و از آن برای ارتقای «هویت فرهنگی» در جامعه انسانی که آینده‌ای مشترک دارند، استفاده می‌کند و همچنین شکل‌های جدیدی از پیشرفت و تمدن بشری را معرفی می‌کند.

به تعبیر شی جین‌پینگ، «اگر روزی استعداد خود را به کار گیرید، می‌توانید به کشور و جامعه خود خدمت کنید (با استفاده از دانش سیاسی و اقتصادی خود)»<sup>۴</sup>.

در بافت سرزمینی چین و در طول تاریخ هزاران‌ساله آن، اقتصاد همیشه طرفدار افکار «مردم‌مبنا» بوده است و هدف نهایی آن «سودرسانی به مردم» و «پیشبرد هماهنگی کلان» (میان اجزای سه‌گانه در شکل شماره ۱) بوده است. در نهایت از شما می‌خواهیم که بیابید در کنار هم ایده «یکپارچه اقتصاد با علوم انسانی» را ترویج کنیم و اقتصاد را با انسان‌گرایی آشتی دهیم تا از دل آن نور تمدن بر جهان بتابد و آینده را روشن کند.

<sup>۴</sup>. کتاب «زندگی‌نامه جین» اثر بین هائو

## فصل اول

### شکل نوین توسعه

«... «یکپارچه دوم» آزادکردن افکاری است که به ما امکان می‌دهد از منابع ارزشمند موجود در فرهنگ سنتی چین در فضای فرهنگی گسترده‌تری در راستای نوآوری‌های نظری و نهادی در آینده استفاده کامل کنیم».

شی جین پینگ

توسعه در هر دوره‌ای، نیاز به نوآوری نظری دارد. این نوآوری‌ها، منجر به توسعه در طول زمان می‌شود. از زمانی که هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین برگزار شد، بر اساس اندیشه‌های شی جین پینگ درباره سوسیالیسم که همراه است با تجربه چین، حزب کمونیست چین تمرکز خود را بر یکپارچه‌سازی و تعامل علوم انسانی و اقتصاد معطوف کرد و پایبندی خود را بر ایده توسعه مردم‌منا نشان داد. این همان ایده‌ای بود که رنگ‌وبوی توسعه فرهنگ سوسیالیستی را داشت و همچنین رویکرد چین به سوسیالیسم را، به‌شدت، ترویج می‌کرد. چین در حال حاضر، در حال ساختن تمدن مدرن خود، یکپارچه‌سازی انگیزه‌های انسانی با رشد اقتصادی، ترویج فراوانی مادی، توان‌بخشی و رفاه همه‌جانبه‌ی مردم و ترویج شکل جدیدی از پیشرفت انسانی است. در طول پیش‌برد این اقدام شکوهمند، پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، به‌تدریج، مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت، به‌عنوان کالبد نوینی از توسعه پذیرفته شده است که منطقی محکم موجود در دیدگاه‌های فرهنگی چین برای ترویج نوسازی را ارائه می‌دهد.

### پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» چیست؟

پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به ایده توسعه مردم‌منا پایبند است. این پارادایم ارزش انسانی را به توسعه اقتصادی شکوفا و برخواسته از فرهنگ سوسیالیستی چینی می‌افزاید، تعامل بین توسعه یکپارچه‌ی فرهنگ و اقتصاد را نشان می‌دهد و در نهایت روشن می‌کند که قدرت اصلی رشد باکیفیت، در چیست. این ایده، کلید اصلی برای درک نوسازی چین است.

پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، اصول بنیادین مارکسیسم را با وضعیت خاص چین و فرهنگ سنتی آن یکپارچه کرده است. «توسعه به نفع مردم» موضع اساسی اقتصاد سیاسی مارکسیست است. اقتصاد سیاسی مارکسیستی، نظریه ارزش کار را به‌عنوان سنگ بنای نظری خود در نظر می‌گیرد و منبع واقعی ثروت اجتماعی را آشکار می‌کند. این نظریه، توسعه آزاد و همه‌جانبه‌ی بشریت را هدف نهایی خود می‌داند و به این ترتیب، این نظریه، نظریه توسعه‌ای رایج مردم‌مناست. با توجه به رابطه فرهنگ و اقتصاد، مارکسیسم معتقد است این زیربنای اقتصادی است که روینا را (از جمله فرهنگ) تعیین می‌کند. در عین حال روینا بر مبنای زیربنای اقتصادی واکنش نشان می‌دهد.

فرهنگ سنتی چین، به‌شدت، با مارکسیسم سازگار است. ایده مردم‌مداری در تمدن دیرینه چین با موضع و ارزش‌های مارکسیستی متمرکز بر مردم مطابقت دارد. رئیس‌جمهور شی جین پینگ نیز به این موضوع اشاره کرده است. «هزاران سال است که مردم چین، سنت جمع‌آوری تجربه‌های تاریخی و گردآوری آثار کلاسیک خود را دارند تا از درس‌های تاریخ استفاده و مردم را از طریق توسعه فرهنگی متمدن کنند»<sup>۵</sup>. برای اثبات این مدعا، می‌توان به دودمان‌های شانگ و ژو اشاره کرد. بین ۲ تا ۳ هزار سال پیش، چین از سیاست خدامنا به سیاست انسان‌منا روی آورد و ایده‌هایی مانند «آنچه مردم می‌خواهند، خدا باید از آن پیروی کند» مطرح شد. لائوزی در دوره بهار و پاییزی می‌گوید: «حکیم اراده مردم را اراده خود می‌داند». کنفوسیوس از «تمرکز بر منافع

<sup>۵</sup> شی جین پینگ، پیشروی در سفر به سوی جوانسازی ملی، پیشگفتار کتابخانه احیا، خبرگزاری شین هوا، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲

مردم و برآوردن نیاز آنها» حمایت می‌کرد. هزاران سال، افکار مردم‌مبنا، مانند «مردم پایه و اساس کشور هستند و تنها زمانی که پایه و اساس محکم باشد کشور رشد می‌کند» به‌عنوان عنصر مهم فرهنگ چینی به نسل‌های متمادی منتقل شده است.

در عین حال، ملت چین از دوران باستان به نقش فرهنگ در حکومت و توسعه اهمیت زیادی داده‌اند. با توجه به کتاب‌های برجامانده، در چین «پادشاهان هم از نظر فرهنگی و هم نظامی سلطنت می‌کنند». در چین باستان، رویکرد اساسی در حکمرانی، تغذیه مردم در فرهنگ بوده است تا از خلال آن در کشور ثبات حاصل شود.

در مقابل دیدگاه چینی، افکار انسان‌گرایانه غربی است که از یونان و روم باستان سرچشمه می‌گیرد. زمانی که اقتصاد غرب برپا شد، محتوای انسان‌مبنا داشت. آدام اسمیت معتقد بود که شفقت، موهبت اخلاقی انسان است. به همین دلیل، او نگران شرایط زندگی کارگران بود. اسمیت معتقد بود جامعه‌ای که اکثر اعضای آن در دام فقر و بدبختی‌اند، هرگز نمی‌تواند جامعه‌ای مرفه و شاد باشد.<sup>۶</sup> رابطه اقتصاد و فرهنگ نیز از موضوعات مهم در پژوهش‌های بسیاری از پژوهش‌گران بوده است. برای مثال، ماکس وبر که به‌عنوان یکی از سه بنیان‌گذار جامعه‌شناسی شناخته می‌شود، در کتاب معروف خود «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» معتقد است که مسیحیت پروتستانی که بر زهد متمرکز است، نقش مهمی در ترویج سرمایه‌داری مدرن غربی ایفا کرده است. با این حال، با ظهور عقل‌گرایی، اقتصاد غرب، به‌تدریج، تمرکز خود را از ارزش‌های انسانی و تأثیرات فرهنگی به دنیای منطقی و عقلانیت تغییر داد، «تاجایی که وارد دنیای فرمولی متشکل از مدل‌های ریاضی می‌شود و کاهش ارزش را درک می‌کند و در نتیجه اقتصاد علمی خالص را رقم می‌زند».<sup>۷</sup> در همین راستا، آمارتیا سن، برنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که با افزایش شکاف بین اقتصاد مدرن و اخلاق، اقتصاد مدرن شاهد پدیده فقر شدید بوده است.<sup>۸</sup> بسیاری از اقتصاددانان غربی نیز خواستار بازگشت به انسان در اقتصاد هستند. اقتصاددان آمریکایی دیردر نانسن مک‌کلوسکی خاطرنشان کرد که ما باید علوم انسانی را برای بهبود اقتصاد به کار بریم. در مقایسه با اقتصاد موجود، انسان‌شناسی چشم‌انداز نظری گسترده‌تر و قدرت بیشتری دارد و شواهد تجربی آن گسترده‌تر و دقیق‌تر است.<sup>۹</sup>

با نگاهی به تاریخ بشریت، توسعه اقتصاد و تمدن، درحالی‌که به صورت ماریپیچی در حال پیشرفت بوده، همواره، با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است. حزب کمونیست چین، با بهره‌گیری از تمدن ۵ هزار ساله این کشور، ایده‌های برجسته‌ای را از «دانش انبوه نوع بشر» استخراج و با استفاده از آن، دیدگاه خود را برای عصر جدید ابداع کرد. به این شکل بود که به‌تدریج، ایده «انسان‌شناسی عصر جدید» شکل گرفت. این دیدگاه تأکید می‌کند که موضع حکومت‌ها باید مردم‌مبنا و منعکس‌کننده آرمان‌ها، آفرینش و خرد مردم باشد. این دیدگاه، با مجموعه‌ای از دستاوردهای متمایز، بدیع و سازمان‌یافته، فصل جدیدی از اقتصاد سیاسی مارکسی را آغاز می‌کند.

### اقتصاد بایستی همیشه به ایده توسعه مردم‌مبنا پایبند باشد

در پنجمین جلسه عمومی هجدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، به‌صراحت، بیان شد که باید به ایده توسعه مردم‌مبنا پایبند بود و بهبود رفاه مردم، ترویج توسعه همه‌جانبه به نفع مردم و حرکت پیوسته به سمت رفاه عمومی، به‌عنوان نقطه شروع و هدف توسعه اقتصادی، مبنای کار باشد.<sup>۱۰</sup> «کشور، همان مردمانش هستند و مردمان، همان کشور هستند». مردم‌مبنایی، موضع بنیادین در اندیشه اقتصادی شی جین‌پینگ است که به‌طور کامل در اهداف و مسیرهای توسعه اقتصادی چین منعکس شده است. گزارش بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست چین تأکید کرد که «ما باید مردم را در اولویت قرار دهیم. مردم‌مبنایی ویژگی اساسی اندیشه مارکسیسم است. تئوری‌های حزب ما، از مردم است، برای مردم است و برای مردم سودمند است». «با به‌کارگیری فلسفه

<sup>۶</sup>. شانگ شو شیا شو؛ آهنگ پنج پسر

<sup>۷</sup>. آدام اسمیت (انگلیسی). ثروت ملتها. ترجمه گو دالی و وانگ یانان. مطبوعات تجاری، چاپ ۲۰۱۴، صفحه ۳۳.

<sup>۸</sup>. تغییر انسان‌شناسانه اقتصاد چینی، گوانگ‌مینگ دیلی، صفحه ۱۱، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۸.

<sup>۹</sup>. آمارتیا سن، ترجمه وانگ یو و وانگ ونیو: «در مورد اخلاق و اقتصاد»، مطبوعات تجاری ۲۰۱۸، صفحه ۱۳.

<sup>۱۰</sup>. دیندر ان، مک‌کلوسکی: «بهبود انسان‌شناسی: رویکردی جدید و قدیمی به علم اقتصاد»، ترجمه ژائو شیائوکسی، توسط انتشارات و ترجمه چین، صفحه ۱ مقدمه.

<sup>۱۱</sup>. شی جین‌پینگ: «گشودن مستمر مرز جدیدی از اقتصاد سیاسی مارکسیستی در چین معاصر»، کیوشی، ۲۰۲۰، ۱۶، صفحه ۸.

توسعه مردم‌مبنا، ما باید از منافع اساسی مردم محافظت کنیم، رفاه آنها را بهبود بخشیم و خستگی‌ناپذیر تلاش کنیم تا این اطمینان حاصل شود که توسعه برای مردم و توسط مردم است و مردم در ثمرات آن سهیم هستند. نوسازی عادلانه به نفع همه مردم ماست».

### اقتصاد از فرهنگ سنتی و مطلوب چین تغذیه شده است

حکومت چین معتقد است که اندیشه مارکسیسم با بافت چینی و نیازهای زمان منطبق و به آن پایبند است. دگرگونی‌های خلاقانه و فرهنگ توسعه در فرهنگ سنتی چین را حضور دارد و به همین دلیل است که جوهر اندیشه مارکسیسم، با فرهنگ سنتی و مطلوب چین و همچنین ارزش‌های مشترک آن، یکپارچه شده است. مردم چین، به‌طور شهودی در زندگی روزمره خود، این اندیشه‌ها را به کار می‌برند. بر همین اساس، چین، از ایده «بومی‌سازی فرهنگ‌های دیگر» نیز پشتیبانی می‌کند. دیدگاه چینی فرهنگ سوسیالیستی جدیدی را در این دوره ایجاد می‌کند و انگیزه‌های فرهنگی را در جریان نوآوری نظری توسعه‌ی اقتصادی تزیق می‌کند و همچنین، مبانی عمیق انسان‌شناسی در دوره جدید را به کار می‌بندد. فرهنگ سنتی چین در برگیرنده بسیاری از ایده‌های مهم و مردم‌مبنا است. از آن جمله، می‌توان به این ایده‌ها اشاره کرد:

- مردم به‌عنوان پایه و اساس دولتند،
- بهبود تدریجی و روزانه اتفاق می‌افتد،
- بین انسان و طبیعت بایستی هماهنگی باشد،
- عشق باید جهانی باشد و نباید به دیگری تجاوز کرد و
- همه مردم در بهشت از یک خانواده هستند.

همه این ایده‌ها، با مفهوم جدید توسعه‌ی نوآورانه، هماهنگ، سبز، باز و عمومی بسیار سازگار هستند. ایده‌های سنتی، حیاتی و برجسته بودند و ارزش خود را به دوره جدید منتقل کردند و به این ترتیب، به گنجینه ایدئولوژیک مهمی در زمینه انسان‌شناسی تبدیل شدند.

### اقتصاد، یکپارچگی و تعامل بین شکوفایی فرهنگی و توسعه اقتصادی را ترویج می‌کند

فرهنگ و اقتصاد به‌سان دو چرخ توسعه در جامعه بشری عمل می‌کنند. اقتصاد، شالوده مادی را پی می‌ریزد و فرهنگ قدرت‌هدایت‌ارزشی را برای توسعه فراهم می‌کند. مجموعه سخنرانی‌های مهم رئیس‌جمهور، شی جین‌پینگ، دائماً بر نقش فرهنگ در توسعه تأکید کرده است. او در جایی می‌گوید: «تضمین احساس کامل و پایدار رضایت و شادی، با عرضه فرهنگی باکیفیت همراه است»، «فرهنگ تکیه‌گاه مهمی برای ارتقای توسعه باکیفیت است»، «برای مقابله با چالش‌های مشترک و ایجاد آینده‌ای بهتر برای همه، بایستی به فرهنگ و تمدن برای ایفای نقش خود نگاه کنیم؛ فرهنگ، به اندازه اقتصاد، علم و فن‌آوری نقش مهمی در توسعه دارد». در عمل نیز، چین بر هماهنگی پیشرفت مادی با فرهنگی-اخلاقی متمرکز است و هم‌فوق مادی را دنبال می‌کند و هم غنی‌سازی فرهنگی-اخلاقی را. «برنامه پنج‌ساله چهاردهم توسعه فرهنگی» که توسط دفتر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و دفتر کل شورای دولتی صادر شده است، به‌صراحت، بیان می‌کند که توسعه‌ی هرچه‌بیشتر صنعت فرهنگی، برای تقویت توانمندی‌های فرهنگی و اجرای کامل آن ضروری است. فرهنگ در شتاب‌بخشی به توسعه، بهبود کیفیت توسعه و ارتقای ساختار اقتصادی نقش برجسته‌ای دارد.



## هدف اقتصاد ایجاد شکل جدیدی از پیشرفت انسانی بر اساس مشاوره همگانی، مشارکت عمومی و خیر جمعی است

رئیس جمهور چین، شی جین پینگ، خاطرنشان کرد: «نوسازی چینی، عمیقاً در فرهنگ سنتی چین ریشه دارد و ماهیت پیشرفته سوسیالیسم علمی را متجسم می‌کند. این نوع از نوسازی، همه دستاوردهای برجسته تمدن بشری را جذب می‌کند و سمت‌وسوی توسعه تمدن بشری را نشان می‌دهد. نوسازی چینی، تصویری از نوسازی غربی و شکل جدیدی از پیشرفت بشر است»<sup>۱۲</sup>.

چین مفهوم ساخت جامعه‌ای همراه با آینده‌ای مشترک برای بشریت<sup>۱۳</sup> را پیشنهاد و تلاش کرده است تا با توسعه خود کشور چین، فرصت‌های جدیدی را برای جهان فراهم کند تا منافع بیشتری را برای همه مردم به ارمغان آورد. چین خواستار تبادلات فرهنگی است تا از دل آن از بیگانگی فراتر رود و بر یادگیری متقابل تأکید می‌کند تا به‌وسیله آن از برخوردهای برتری‌جویانه عبور و شرایط را برای هم‌زیستی فراهم کند. ابتکار چین در طرح ایده‌ی تمدن جهانی بر مدارا، هم‌زیستی، مبادله و یادگیری متقابل میان تمدن‌های مختلف تمرکز دارد و از همه تمدن‌ها می‌خواهد تا برای چشم‌اندازی جدید در مسیر نوسازی تلاش و شکلی مطلوب‌تر و جدیدتر را از پیشرفت بشری ایجاد کنند.

### چرا ایجاد پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» ضروری است؟

چگونه سرعت و کیفیت توسعه اقتصادی را متعادل کنیم؟ آیا می‌توان مسیر نوسازی را به گزاره نهایی «نوسازی انسانی» و ارتقای ساخت تمدن مدرن ملت چین پی گرفت؟ حجم ناکافی و شتاب توسعه و همچنین توزیع نامتعادل، منافع جهانی و اشتراک نتایج توسعه را مسدود کرده است. چگونه می‌توانیم کمبودهای توسعه جهانی را جبران کنیم؟ پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» از ماده فراتر رفته، بر نوسازی مردمی تمرکز می‌کند و به پرسش‌های فوق هم به مردم چین و هم به مردم جهان، پاسخ می‌دهد.

### این دیدگاه برای توسعه باکیفیت است

پس از ورود به دوره جدید، اقتصاد چین به جهشی تاریخی دست یافته است. با این حال، همچنان با مشکلات و معضلات زیادی از جمله توسعه نامتوازن و ناکافی و تنگنانهایی در ارتقای توسعه باکیفیت مواجه است. از منظری عمیق‌تر، کمبودها در گذشته و عرضه ناکافی در اقتصاد چین، از پایه و اساس، دگرگون و نیاز مردم چین برای زندگی بهتر از داشتن کالاهای کافی به لذت‌بردن از کالاهایی باکیفیت تغییر کرده است.

در پاسخ به مشکلات و تغییرات توسعه اقتصادی و اجتماعی، چین فلسفه توسعه جدیدی را مطرح کرده و به کار گرفته است. این کشور برای ارتقای توسعه باکیفیت سخت کار کرده، الگوی توسعه جدیدی را پرورش داده و اصلاحات ساختاری را در سمت عرضه به اجرا در آورده است. انسان‌شناسی با مختصات و ویژگی‌های چینی، بر تضمین و بهبود معیشت مردم، رفع نیازهای همه‌جانبه و متنوع مردم در سطوح مختلف با توسعه و باکیفیت، ایجاد پیشرفت چشم‌گیر در ارتقای رفاه عمومی همه مردم و ارتقای همه چیز تمرکز دارد.

### این پیشرفت، مسیری است که باید برای نوسازی چینی طی شود

تحقق توسعه آزاد و همه‌جانبه‌ی مردم، هدف نهایی نوسازی چین است. انسان‌شناسی مردم‌مبنا در عصر جدید به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه کشوری با جمعیت زیاد، می‌تواند به توسعه متوازن و رفاه عمومی دست یابد. انسان‌شناسی عصر جدید که در آن علوم انسانی و اقتصاد یکپارچه شده و با هم تعامل دارند، بر هماهنگی توسعه با پیشرفت فرهنگی-اخلاقی و هم‌زیستی هماهنگ انسان و طبیعت برای جلوگیری از توسعه ناهماهنگ و ناپایدار متمرکز است. این دیدگاه به ساختن جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک

<sup>۱۲</sup>. شی جین پینگ در مراسم افتتاحیه یک جلسه مطالعاتی در مورد اجرای روح بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، با تأکید بر درک صحیح و ارتقاء شدید نوسازی چین سخنرانی کرد<sup>۱۱</sup>، خبرگزاری شین هوا، ۷ فوریه، ۲۰۲۳.

<sup>۱۳</sup>. این ایده، به‌طور خلاصه‌ای، مجموعه‌ای از ایده‌ها، افکار و استراتژی‌های جدید را برای ارتقای توسعه سالم جهانی شدن اقتصادی مطرح می‌کند.

برای بشریت و ایجاد شکل جدیدی از پیشرفت انسانی متعهد است. این دیدگاه خود را به همه آحاد بشر در سرتاسر جهان عرضه می‌کند و به توسعه صلح‌آمیز پایبند است و الگوی جدیدی از تمدن جهانی را شکل می‌دهد.

نوسازی چین نتیجه تجدید تمدن چین است. در رابطه‌ای دوسویه، این نوسازی، به تمدن چینی قدرت مدرن می‌بخشد و تمدن چین پایه و اساس عمیقی برای آن فراهم می‌کند. پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به ایجاد اعتماد به تاریخ و فرهنگ کمک می‌کند و از منظر تاریخی به تمدن مدرن ملت چین در این سفر جدید در عصر جدید کمک می‌کند.

### **این برنامه، پاسخ چین به کمبودهای توسعه جهانی است**

در حال حاضر، بی‌ثباتی و عدم اطمینان، در سطح جهانی، به‌طور قابل توجهی در حال افزایش است. واکنش‌های منفی علیه جهانی‌شدن اقتصادی رخ داده، آسیب حمایت‌گرایی بسیار مشهود شده، اختلاف درآمد و عدم تعادل در توسعه بین مناطق گوناگون و همچنین کمبودهای توسعه همچنان در حال افزایش است.

انسان‌شناسی عصر جدید بر اساس طرح چینی، برای حل کمبودهای توسعه جهانی طراحی شده است. این دیدگاه، انتخاب جدیدی برای کشورها و جوامعی است که امیدوارند تصمیم‌گیری مستقل خود را حفظ کنند. این برنامه، اطمینان کشورهای در حال توسعه را در کاوش در مسیر نوسازی مناسبشان، تضمین می‌کند.

در مواجهه با کمبودهای توسعه جهانی، چین بر ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان در توسعه تمرکز می‌کند. همچنین، این کشور، بر تمایل به مردم و قدرت آنان تأکید کرده، به توسعه مبتنی بر نوآوری پایبند است و مدلی را برای رشد پویا پیشنهاد می‌کند. چین به آینده بشریت توجه می‌کند و یک مدل همکاری باز، هماهنگ و برد-برد ایجاد و قاطعانه، از جهانی‌شدن اقتصاد حمایت می‌کند. در این طرح، چین به پیشروی همگام با زمان پایبند است و مدلی را برای حکمرانی منصفانه و معقول پی‌ریزی می‌کند. چین به تعادل و فراگیربودن پایبند است، مدلی را برای توسعه متوازن و فراگیر ایجاد کرده و به مردم در سراسر جهان اجازه می‌دهد تا از مزایا و نتایج چنین توسعه‌ای و جهانی‌شدن اقتصاد بهره‌مند شوند.

## فصل دوم

### موضوع توسعه مردم‌مبنا

ایده توسعه مردم‌مبنا، یک مفهوم انتزاعی یا مرموز نیست. نمی‌تواند فقط در کلمات و اندیشه‌ها بماند بلکه باید در همه ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی منعکس شود. ما باید از جایگاه اصلی مردم دفاع کنیم، آرزوهای مردم برای زندگی بهتر را برآورده کنیم، دائماً برای تحقق، حفظ و پیشبرد منافع اساسی همه مردم خود تلاش کنیم و تلاش خستگی‌ناپذیری برای اطمینان از این که توسعه برای مردم و توسط مردم است، انجام دهیم. در این دیدگاه، مردم باید از میوه‌های آن سهم ببرند.

شی جین پینگ

مردم پایه و اساس یک کشور هستند و تنها زمانی که مردم زندگی خوبی داشته باشند کشور می‌تواند پیشرفت کند. پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، به‌شدت، از تفکر دیرینه مردم‌مبنا در فرهنگ سنتی و مطلوب چینی وام گرفته است، از مضمون توسعه مردم‌مبنا حمایت می‌کند و افکار و عملکردهای آن زمان را برای جست‌وجوی خوشبختی برای مردم منعکس می‌کند.

«علت خود شخص باید بر اساس تجربه خوب گذشته کشف شود»<sup>۱۴</sup>.

پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، «اولویت قرار دادن مردم» را در سراسر مسیر نوسازی چینی در اولویت قرار می‌دهد. توسعه چین بر برآورده کردن آرزوهای مردم برای زندگی بهتر، تلاش برای رفاه عمومی برای همه، ترویج توسعه سرمایه انسانی برای یک هدف بزرگ‌تر و هم‌زیستی هماهنگ بین انسان‌ها و طبیعت متمرکز است.

### ۱. حکومت برای مردم: ملاقات با آرزوهای مردم برای زندگی بهتر

به‌منظور برآورده‌ساختن آرزوهای مردم برای زندگی بهتر، پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به تدوین سیاست‌های اقتصادی و ترویج توسعه باکیفیت و تضمین کیفیت بالای معیشت و خوشبختی مردم کمک می‌کند.

از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، با محوریت آراء شی جین پینگ، آرمان‌های مردم را برای زندگی بهتر دنبال کرده و توسعه باکیفیت را برای ساخت کشور مدرن سوسیالیستی از همه جهات دنبال کرده است. این حزب، شادی و رفاه مردم را هدف نهایی ارتقای توسعه باکیفیت می‌داند. بنابراین به‌طور مداوم، در حال افزایش احساس رضایت، شادی و امنیت مردم چین است.

### به طور مداوم درآمد را افزایش دهید و در عین حال توسعه باکیفیت را ارتقاء دهید

«۶۷ هزار و ۵۰۰ یوان در سال ۲۰۱۲، ۸۳ هزار و ۵۰۰ یوان در سال ۲۰۱۵، ۹۹ هزار یوان در سال ۲۰۱۸، ۱۱۵ هزار و ۵۰۰ یوان در سال ۲۰۲۲...»! پنگ جین‌هوا، کشاورزی در پنجیاست و اعداد مذکور، درآمدهای او در شهر یائوو، ناحیه یوشوی، شهر شینیو، واقع در استان جیانگشی است که برای او ثبت شده.

پنجیا یکی از نقاط دارای ثبات برای مشاهده درآمد خانواده در روستاهای چین است. از دهه ۱۹۸۰، پنجاه کشاورز، از جمله پنگ لینهوا، درآمد و مخارج روزانه خانوار خود را با جزئیات ثبت کرده‌اند. پس از برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، دو منحنی اقتصادی چین منتشر شد:

- یک نمودار، نمودار رشد تولید ناخالص داخلی است که از ۵۴ تریلیون یوان در سال ۲۰۱۲ به ۱۲۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت

<sup>۱۴</sup>. [پادشاه] شن زونگ کیان: جبهه‌زوها در نقاشی‌ها

- نمودار دیگر، درآمد سرانه قابل محاسبه است که از ۱۶ هزار و ۵۱۰ یوان در سال ۲۰۱۲ به ۳۶ هزار و ۸۸۳ یوان در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

در آینده، تطبیق رشد درآمد ساکنان با رشد تولید ناخالص داخلی، یکی از اهداف اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی چین خواهد بود. هوآنگ کوآن‌هوی<sup>۱۵</sup>، مدیر موسسه اقتصاد آکادمی علوم اجتماعی چین، گفت: «هدف حفظ هماهنگی نرخ رشد در درآمد ساکنان با رشد تولید ناخالص داخلی به‌طور کلی به این معنی است که چینی‌ها، می‌توانند به‌طور کامل از توسعه بهره‌مند شوند».

### برآوردن نیازهای مردم برای زندگی بهتر و ترویج توسعه باکیفیت

تغییرات در سفره غذایی مردم چین، امروزه، اغلب مورد بحث قرار می‌گیرد. در گذشته، چینی‌ها بر تولید غذای کافی تمرکز می‌کردند. در حال حاضر به «کیفیت غذا» و «غذای بهتر خوردن» اهمیت بیشتری می‌دهند.

در عصر جدید، تضاد اصلی جامعه چین، توسعه نامتعادل و ناکافی و نیاز روزافزون مردم به زندگی بهتر است. بر این اساس، چین اصلاحات ساختاری در طرف عرضه محصولات را برای ارتقای توسعه باکیفیت انجام داده است تا نیازهای متنوع و انسانی مردم در سطوح مختلف برآورده شود.

در مرحله توسعه جدید، چین در حال اجرای فلسفه توسعه است و با تسریع توسعه باکیفیت و پاسخگویی به تقاضای فزاینده داخلی با عرضه محصولات باکیفیت، مانند مواد غذایی باکیفیت، تلفن‌های همراه، دستگاه‌های تهویه مطبوع، وسایل نقلیه با انرژی نو<sup>۱۶</sup> (NEV) و تخت‌خواب و صبحانه روستایی گران‌قیمت، الگوی توسعه جدیدی ایجاد می‌کند.

با توسعه صنعت داخلی NEV، استفاده از خودرو، به‌عنوان یکی از نمادهای زندگی مدرن، در چین شتاب گرفته است و در نتیجه از هر چهار نفر یک خودرو دارد. در سال ۲۰۲۲، سهم بازار مارک‌های داخلی در بازار چین نزدیک به ۵۰ درصد بود و این نسبت در بازار NEV به ۷۹.۹ درصد رسید.

به عبارتی باید گفت که چرخه‌ای متعادل بین توسعه باکیفیت و زندگی باکیفیت شکل گرفته است. آمارها نشان می‌دهد که ساختار مصرف چین در دوره جدید بهینه شده و ارتقاء یافته است. نسبت مخارج مصرف نهایی در تولید ناخالص داخلی برای ۱۱ سال متوالی بالای ۵۰ درصد باقی مانده است و تقاضای مصرف داخلی به موتور اصلی رشد اقتصادی تبدیل شده است.

### تضمین و بهبود رفاه مردم و در عین حال ترویج توسعه باکیفیت

در سال‌های اخیر، بیش از ۷۰ درصد از هزینه‌های دولت ملی برای بهبود معیشت مردم در چین بوده است. برای مثال ۲۰۲۲ را در نظر بگیرید. آموزش و پرورش ۱۵.۱ درصد از هزینه‌های بودجه عمومی دولت، خدمات تأمین اجتماعی و اشتغال ۱۴.۱ درصد، سلامت ۸.۷ درصد، کشاورزی، جنگل‌داری و آب ۸.۶ درصد، خدمات عمومی عمومی ۸.۱ درصد و خدمات جامعه شهری و روستایی ۷.۴ درصد را به خود اختصاص داده است.<sup>۱۷</sup>

چین با ترویج اشتغال باکیفیت برای افزایش درآمد مردم و ایجاد عرضه باکیفیت برای رفع نیازهای زندگی بهتر و در عین حال ایجاد پایه مادی مستحکم برای حفظ و بهبود معیشت مردم، بر تضمین و بهبود معیشت مردم در راستای توسعه باکیفیت اصرار دارد.

در حال حاضر، چین بزرگ‌ترین سیستم آموزش، امنیت اجتماعی و بهداشت را در جهان ایجاد کرده است. چین به‌طور مداوم برای اطمینان از دسترسی مردم به خدمات مراقبت از کودکان، آموزش، اشتغال، خدمات پزشکی، مراقبت از سالمندان، مسکن و کمک‌های اجتماعی در سطوح بالاتر تلاش کرده است تا آرزوهای مردم برای زندگی بهتر را برآورده کند.

<sup>15</sup>. Huang Qunhui

<sup>16</sup>. New Energy Vehicle (NEV)

<sup>17</sup>. درآمد و هزینه‌های مالی در سال ۲۰۲۲، دولت مرکزی جمهوری خلق چین، ۳۱ ژانویه ۲۰۲۳.

## ۲. افزایش درآمد مردم: ترویج رفاه عمومی برای همه به‌عنوان کانون توسعه

رفاه عمومی برای همه، ویژگی مهم شیوه چینی برای نوسازی است. ارتقای رفاه عمومی در راستای توسعه باکیفیت یکی از موضوعات مهمی است که پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» باید به آن پاسخ دهد. در تاریخ اقتصاد جهانی، اقتصاد بازار شیوه‌ای کاربردی برای تقویت کشور و ثروتمند کردن مردم آن است. با این حال، تأکید بیش‌ازحد بر رقابت در بازار، اغلب، منجر به دوقطبی شدن بین فقیر و غنی می‌شود.

در چین، رفاه عمومی یک سوگند سیاسی پوچ نیست بلکه یک تغییر اجتماعی بزرگ است که برای آن، حزب سیاسی متحد می‌شود و همه مردم را برای انجام آن هدایت می‌کند. بازار موثر در کنار دولتی با عملکرد خوب می‌تواند مردم چین را تشویق کند تا با یکدیگر همکاری کنند تا «کیک اقتصادی» بزرگ‌تر و از طریق ترتیبات سازمانی معقول برش داده و توزیع شود.

### سیستم توزیع، سیستمی بنیادین است که رفاه عمومی را ترویج می‌کند

در ژوئیه ۲۰۲۳، وزارت منابع انسانی و تأمین اجتماعی چین استانداردهای جدید برای حداقل دستمزد را در مناطق مختلف اعلام کرد. به مدت ده سال، بالاترین استاندارد برای حداقل دستمزد در میان مناطق مختلف فقط ۱۵۰۰ یوان بود.

چین متعهد شده است تا بین کارایی و تعادل و ثبات مداوم سیستم توزیع ثبات ایجاد کند. همچنین، چین تلاش می‌کند تا:

- طبقه‌های دارای درآمد متوسط را گسترش دهد،
  - درآمد گروه‌های کم‌درآمد را افزایش دهد،
  - تعدیلی منطقی برای درآمدهای بالا را انجام دهد و
  - شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی و بین مناطق و گروه‌ها را کاهش دهد.
- برای مثال، از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲، نسبت درآمد ساکنان شهری و روستایی چین از ۲.۸۸ به ۲.۴۵ کاهش یافته است.

### تأکید بر «عموم» هم اولویت اصلی و هم چالش در دستیابی به رفاه عمومی است

لیانگشان زمانی به‌عنوان یکی از «فقیرترین نقاط چین» شناخته می‌شد. در دو نشست ملی در سال ۲۰۲۳، جی لیزی، دبیر شاخه حزب روستای آبلوها، شهرستان بوتو، واقع در استان خودمختار لیانگشان یی که در اعماق لیانگشان واقع شده است، سه عکس چشم‌نواز را نشان داد. در عکسی که در سال ۲۰۰۵ گرفته شده، روستاییان در کابین‌های کوچک زندگی می‌کردند. با این حال، در سال ۲۰۰۷، همه به خانه‌های خشتی نقل مکان کرده بودند و در سال ۲۰۲۰، روستاییان در آپارتمان‌های چندطبقه با جاده‌های قابل دسترسی به داخل و خارج روستا زندگی می‌کردند. آنها همچنین می‌توانند در مراکز اجتماعی روستای شان لذت ببرند و خدمات و مراقبت‌های پزشکی را در کلینیک‌ها دریافت کنند.

از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، این کشور گسترده‌ترین و فشرده‌ترین کمپین فقرزدایی در تاریخ بشریت را سازمان‌دهی و اجرا کرده است و ۹۸.۹۹ میلیون روستایی را از فقر خارج کرده و در نتیجه معجزه‌ای در کاهش فقر خلق کرده است. همان‌طور که به‌طور متوالی نتیجه‌گیری شد، روستاهای دورافتاده مانند روستای آبلوها از «کوه عبورناپذیر فقر» فراتر رفته و زندگی مردم در آنجا به‌طرز چشمگیری تغییر کرده است.

چین برای رسیدگی به عدم تعادل و نارسایی‌ها در زمینه‌های مختلف توسعه، مجموعه‌ای از استراتژی‌های ملی و منطقه‌ای مانند مبارزه با فقر، احیای روستاها، توسعه گسترده منطقه غرب و احیای صنعت قدیمی را تدوین و اجرا کرده است: پایگاه‌سازی در شمال شرقی چین، ظهور چین مرکزی، استقرار کمک‌های ازدواج و تعمیق همکاری برای کاهش فقر بین مناطق شرقی و غربی.

### رفاه عمومی پروژه‌های طولانی‌مدت، سخت و نظام‌مند است که نیاز به کاوش مداوم دارد

«قیمت بازار برای بذر خردل ترشی ۰.۳ یوان است اما چرا کارگاه هنوز آنها را با ۰.۵ یوان خریداری می‌کند؟» پرسش‌های مانند این، همیشه در کارگاه مشترک المنافع در پایگاه نوآوری کشاورزی ژایشیتانگ<sup>۱۸</sup> در شهر شینان<sup>۱۹</sup>، شهر هوژوآو<sup>۲۰</sup>، واقع در استان ژجیانگ پرسیده می‌شد. مسئول کارگاه، شن کی، به روستاییان گفت که این ۰.۲ یوان اضافی، به‌منظور تشویق آنها برای ارائه ثابت غده خردل ترشی است. در استان ژجیانگ، ۵.۵۹۹ کارگاه مشترک المنافع راه‌اندازی شده است که ۲۷۸ هزار شغل برای روستاییان فراهم می‌کند و منجر به افزایش درآمد سرانه ۲۰۰۰ یوان شده است.

با وجود آن که چین به‌طور پیوسته رفاه عمومی را در سراسر کشور ترویج می‌کند، با این حال، این کشور شهر ژجیانگ را که شرایط توسعه‌ای بهتری دارد انتخاب کرده است تا رفاه عمومی، سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای (مانند کارگاه‌های مشترک المنافع، کمیسیون‌های علوم و فن‌آوری روستایی و همکاری بین مناطق ساحلی و کوهستانی) را به نمایش گذارد. در سال جاری، کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی چین شیوه‌های رایجی را در ژجیانگ به کار برد تا مناطقی نمایشگاهی را برای نمایش رفاه عمومی راه‌اندازی کند. این اقدامات قرار است در سطح کشور نیز ترویج شود.

### ۳. وجود استعداد ضرورتی حیاتی‌تر از ثروت برای موفقیت است: در نظر گرفتن پرورش باکیفیت افراد

#### به‌عنوان منبع قدرت

در ۳۰ می ۲۰۲۳، فضایی سرنشین‌دار شن‌ژوآو-۲۱۱۶ با موفقیت از جیوکوآن<sup>۲۱</sup>، استان گانسو به پرواز درآمد. در این بین، گوی هایچائو، استاد ۳۷ ساله دانشگاه هوانوردی و فضاوردی پکن، بیش از سایر سرنشینان، توجه‌ها را به خود جلب کرد.

گوی هایچائو در شهری ناشناخته در شیدیان در استان یوننان، در مرز جنوب غربی چین به دنیا آمد. او، با مطالعه مجذانه خود، اولین متخصصی بود که در ایستگاه فضایی چین کار کرد و رویای کودکی خود را تحقق بخشید. داستان او الهام‌بخش جوانان بی‌شمار و مظهر تأکید چین بر پرورش استعداد و پرورش افراد باکیفیت است.

شی جین‌پینگ خاطرنشان کرد که رشد جمعیت موضوع مهمی است که به جوان‌سازی ملت بزرگ چین کمک می‌کند. او افزود که چین باید بر بهبود کیفیت کلی جمعیت تمرکز کند و باید از نوسازی چین از طریق پرورش جمعیتی باکیفیت حمایت کرد<sup>۲۳</sup>. «کمیت و کیفیت استعدادها بیشترین اهمیت را برای حکومت و کشور دارد<sup>۲۴</sup>». استعدادها همواره به‌عنوان یک عامل حیاتی برای ظهور و سقوط یک کشور در فرهنگ سنتی چین در نظر گرفته شده‌اند.

پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» بر این باور است که در میان همه ورودی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی این مردمان که فعال‌ترین، پویاترین و خلاق‌ترین مولفه هستند. پرورش جمعیتی باکیفیت می‌تواند دائماً شوروشوق، ابتکار و خلاقیت مردم را برای ایجاد قدرت در حال توسعه برانگیزد.

آموزش و پرورش اولویت اصلی ارتقای کیفیت مردم است. در حال حاضر، چین گسترده‌ترین سیستم آموزشی را در جهان با پوشش آموزش پیش‌دبستانی، ابتدایی، متوسطه و عالی با رتبه جهانی متوسط و بالا، ایجاد کرده است. در سال ۲۰۲۲، نرخ تحصیلات اجباری ۹ ساله و ثبت نام دبیرستان در چین به ترتیب به ۹۵.۵ درصد و ۹۱.۶ درصد رسید.

قله‌های مرتفع، دره‌های عمیق و دره‌های متقاطع صحنه معمولی در استان خودمختار نوجیانگ لیسو، واقع در استان یوننان است؛ زیرا این استان در کوه‌های هنگدوان، معروف به «چروک‌های زمین» واقع شده است. در نوجیانگ، به‌عنوان یکی از ۹ ناحیه و استانی که از شدیدترین وضعیت فقر در چین رنج می‌برد، میانگین دوره آموزش عمومی، کمی بیش از هفت سال داشت. در سال

18. Zhaishitang

19. Xinan

20. Huzhou

21. Shenzhou-16

22. Jiuquan

۲۳. شی خواستار نوسازی سیستم صنعتی، توسعه جمعیت باکیفیت است. خبرگزاری شین هوا، ۵ مه ۲۰۲۳.

24. Mens Shangxian

۲۰۱۶، نوجیانگ اولین استان در یونان بود که ۱۴ سال آموزش رایگان از پیش دبستانی تا دبیرستان ارائه کرد و از حقوق تمامی گروه‌های قومی محلی برای آموزش پشتیبانی کرد.

وو جین فنگ، مدیر مدرسه ابتدایی گلی در شهرستان داکسینگدی، واقع در شهر لوشوی و استان نوجیانگ، با افتخار گفت: «با قدم‌زدن در امتداد گرند کنیون نوجیانگ، مشخص می‌شود که بهترین ساختمان‌ها در هر شهر و روستایی مدارس هستند». چین امروزی، بیش از ۲۴۰ میلیون نفر با تحصیلات عالی دارد که نیروی کار جدیدی با میانگین ۱۴ سال تحصیل در مدرسه است. این کشور بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر ماهر و بیش از ۶۰ میلیون متخصص دارد. چین دارای بزرگ‌ترین و جامع‌ترین منابع استعداد در بین همه کشورهاست.

بنا به باور رئیس جمهور، «ما باید استعدادها را در سطح جهانی جذب کرده و از آنها را به‌طور موثر استفاده کنیم». پیشرفت مستمر رشد باکیفیت جمعیت، اشتیاق و ابتکار و خلاقیت صدها نفر از مردم چین را تقویت کرده است.

بر اساس آمار وزارت علوم و فن‌آوری، پرسنل تحقیق و توسعه چین از ۳.۲۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۶ میلیون نفر در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است و برای چندین سال در رتبه اول جهان قرار داشت. مجموع هزینه‌های تحقیق و توسعه علم و فن‌آوری از ۱ تریلیون یوان در سال ۲۰۱۲ به ۳.۰۹ تریلیون یوان در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. رتبه چین در شاخص جهانی نوآوری از ۳۴ در سال ۲۰۱۲ به ۱۱ در سال ۲۰۲۲ ارتقاء یافته است.

#### ۴. هماهنگی بین انسان و طبیعت: تمرکز بر هم‌زیستی هماهنگ بین انسان و طبیعت برای توسعه

حتی در اواسط تابستان، پارک ملی تالاب هایزو که به‌عنوان «قلب سبز» گوانگژو شناخته می‌شود، سرسبز است و آب‌های آبی آن در آرامش موج می‌زند.

تالاب ۱۱۰۰ هکتاری هایزو بزرگ‌ترین تالاب مرکزی شهری در میان کلان‌شهرهای چین است. چنین تالاب بزرگی در مرکز شهر که زمینی گران‌بها است، تأثیری بر اقتصاد شهر نداشته است. در عوض، رقابت محوری منطقه را افزایش داده است. منطقه آزمایشی «اقتصاد هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال پارونا» بیش از ۵۰ شرکت فن‌آوری اطلاعات و دیجیتال را برای سکونت جذب کرده است.

«آب‌های شفاف و کوه‌های سرسبز دارایی‌های ارزشمندی هستند». پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» اصرار دارد که محیط‌زیست سالم بهترین خیر عمومی و رفاه جهانی برای معیشت مردم است. توسعه اقتصادی نمی‌تواند به قیمت تخریب محیط‌زیست تمام شود. اکولوژی بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد است و حفاظت از محیط‌زیست، توسعه بهره‌وری است.

شی جین پینگ خاطر نشان کرد که تاریخ تمدن‌ها نشان می‌دهد که ظهور یا سقوط یک تمدن ارتباط تنگاتنگی با طبیعت دارد. صنعتی شدن، ضمن تولید ثروت مادی بی‌سابقه، به طبیعت مادر، آسیب جدی وارد کرده است. توسعه، بدون فکر به آینده پایدار شدنی نیست. راه پیش رو باید توسعه سبز با تمرکز بر هماهنگی با طبیعت و پیشرفت دوست‌دار محیط‌زیست باشد.<sup>۲۵</sup>

از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، چین حفاظت از محیط‌زیست را عامل اساسی توسعه پایدار ملت چین می‌داند و مجموعه‌ای از تلاش‌های پیشگامانه را برای پیشرفت چشمگیر در ساختن یک چین زیبا انجام داده است.

در دهه‌های گذشته، میانگین غلظت پی‌ام ۲.۵<sup>۲۶</sup> در کلان‌شهرهای کلیدی در سراسر چین ۵۷ درصد کاهش یافته است. در سال ۲۰۲۲ که نسبت روزهای باکیفیت هوای خوب در شهرهای استانی یا بالاتر به ۸۶.۵ درصد رسید، چین به کشوری با سریع‌ترین بهبود کیفیت هوا در سطح جهان بدل شد. احیای جنگل‌های انباشته‌شده در چین بالغ بر ۱۰۰۲ میلیارد مو چین است (یک مو معادل ۶/۱ هکتار). چین با پوشش جنگلی ۲۴.۰۲ درصدی تقریباً یک‌چهارم از مساحت سبز تازه اضافه‌شده جهان را به خود اختصاص داده

<sup>۲۵</sup>. سخنرانی شی جین پینگ در مراسم افتتاحیه نمایشگاه جهانی باغبانی ۲۰۱۹ در پکن، خبرگزاری شین هوا چین، ۳۰ آوریل ۲۰۱۹.

<sup>۲۶</sup>. قرارگرفتن در معرض ذرات معلق زیر ۲.۵ میکرون (PM2.5) بدون هیچ گونه محافظی، می‌تواند مساوی با کشیدن چندین سیگار در روز باشد و می‌تواند احتمال ابتلا به سرطان را افزایش دهد. آلودگی هوا به روش‌های گوناگونی می‌تواند آثار زیان‌بار درازمدت و کوتاه‌مدتی بر سلامت انسان‌ها بگذارد. تأثیر آلودگی هوا بر افراد مختلف متفاوت است.

و سریع‌ترین نرخ رشد را در منابع جنگلی دارد. نسبت ترکیبی بخش‌های آبی تحت کنترل دولت با آب‌های سطحی باکیفیت خوب، ۲۳.۸ درصد افزایش یافته و به ۸۷.۹ درصد در سال ۲۰۲۲ نزدیک به سطح کشورهای توسعه‌یافته رسیده است. پس از تلاش‌های سرسختانه، چین کشور رنگارنگ‌تری شده است؛ با آسمان آبی‌تر، زمین سبزتر و آبی شفاف‌تر.

رودخانه زرد به طول ۵۰۰۰ کیلومتر که به «رود مادر» ملت چین معروف است، بارها با سیل و قطع آب در تاریخ آثار ویرانگری داشته است. آخرین نتایج بررسی‌های سنجش از دور، افزایش قابل‌توجهی را در پوشش گیاهی حوضه رودخانه زرد نشان می‌دهد. این «خط سبز» حدود ۳۰۰ کیلومتر به سمت غرب حرکت می‌کند. در سال ۲۰۲۲، کیفیت آب در کل جریان اصلی رودخانه زرد برای اولین بار به سطح دو رسید و به مدت ۲۳ سال متوالی جریان آن متوقف نشد. به این ترتیب، «رود مادر» درخشش خود را بازیافت.

حفاظت از محیط‌زیست، توسعه سبز را ترویج می‌کند. از هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، انتشار کربن دی‌اکسید در چین، به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی آن، ۳۴.۴ درصد کاهش یافته است، سهم زغال‌سنگ در مصرف انرژی اولیه از ۸.۵ درصد به ۵.۶ درصد و شدت انرژی ۲۶.۴ درصد کاهش یافته است. این درصدها، نشان‌دهنده سریع‌ترین کاهش شدت انرژی در جهان است.

در عین حال، مقیاس انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید و فروش خودروهای انرژی جدید در چین همگی رتبه اول را در جهان دارند. ظرفیت نصب‌شده تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر از یک میلیارد کیلووات فراتر رفته است و ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های بادی، خورشیدی، آب و زیست‌توده، همگی به ترتیب رتبه اول را در جهان دارند. در سال ۲۰۲۲، چین بیش از ۷ میلیون وسیله نقلیه جدید انرژی تولید کرد که ۳ درصد از کل جهان را به خود اختصاص داده است و انگیزه جدیدی را به توسعه باکیفیت و تحول اقتصاد چین تزریق می‌کند.

شی جین پینگ گفت: «تمدن چین همواره برای هماهنگی بین انسان و طبیعت و رعایت قوانین طبیعت ارزش قائل بوده است. این دغدغه همیشگی ما بوده است که انسان و طبیعت بتوانند با هم در هماهنگی زندگی کنند»<sup>۳۷</sup>. تمدن زیست‌محیطی که از فرهنگ سنتی و مطلوب چین به ارث رسیده است، به پشتوانه‌ای اساسی برای نوسازی چین و پس‌زمینه‌ای باشکوه برای تمدن مدرن ملت چین تبدیل شده است.

---

<sup>۳۷</sup>. سخنرانی شی جین پینگ در اجلاس رهبران آب‌وهوا، خبرگزاری شین هوا. ۲۲ آوریل ۲۰۲۱



### تمرینی واضح از همزیستی و هماهنگی بین علوم انسانی و اقتصاد

ضرب المثلی چینی می‌گوید: «بالای بالا بهشت است و پایین پایین سوژو و هانگژو هستند». سوژو و هانگژو هر دو شهرهایی هستند که در خط مقدم توسعه اقتصادی قرار دارند. از آنجایی که هر دو شهر از فرهنگ پیش‌رو و در عین حال پیش‌رو در توسعه اقتصادی برخوردار هستند، ارزش مطالعه از منظر علوم انسانی دارند.

شی جین پینگ

مجموعه‌ای از شیوه‌های انسان‌شناسی در دوره جدید چین، آشکارا، «تعامل و توسعه یکپارچه» را نشان داده‌اند که به شدت بر تعامل علوم انسانی و اقتصاد تمرکز دارد. در پیشبرد تبار فرهنگی هزاران ساله و جمع‌آوری انرژی جنبشی فزاینده برای توسعه باکیفیت، به لطف پشتیبانی‌های اقتصادی، به علوم انسانی نشاط نامحدودی داده شده است و اقتصاد به دلیل محتوای انسان‌گرایانه از ارزش بالاتری برخوردار است. بر اساس انطباق اصول اولیه مارکسیسم با فرهنگ سنتی و مطلوب چین، چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، همواره پرچم اومانیزم را در توسعه خود برافراشته نگه داشته است و تلاش کرده است که تداوم و جهش را با الهام از دوران باستان تحقق بخشد: از «تمدن چینی» به «تمدن مدرن چینی».

#### ۱. متمدن کردن مردم از طریق فرهنگ: علوم انسانی به‌عنوان پایه‌ای محکم برای توسعه اقتصادی عمل می‌کند

فرهنگ سنتی و مطلوب چین که برخاسته از ۵۰۰۰ سال تمدن چین و فرهنگ انقلابی و پیشرفته سوسیالیستی است و در مبارزات بزرگ حزب کمونیست چین و مردم ایجاد شده است، عمیق‌ترین آرزوهای مردم چین را در برمی‌گیرد و نمادی منحصربه‌فرد را نشان می‌دهد.<sup>۲۸</sup> چنین چیزی، عمیق‌ترین پایه توسعه اقتصادی چین است.

#### ادامه تبار فرهنگی چین برای شکل‌دادن به یک فرم اقتصادی منحصربه‌فرد

چین یکی از قدیمی‌ترین کشورهای جهان با تمدنی بیش از ۵۰۰۰ سال است و تنها تمدن باستانی در جهان است که تا به امروز بدون وقفه ادامه داشته است. تبار تاریخی و فرهنگی منحصربه‌فرد چین شکل اقتصادی منحصربه‌فرد آن را شکل داده، مدل توسعه اقتصادی مناسبی به آن بخشیده و به نیروی محرکه عمیق تحول و ارتقای اقتصادی آن تبدیل شده است. رودخانه یانگ تسه رودخانه مادر ملت چین است. برای هزاران سال، با آب‌هایش به‌عنوان کمربند، سیستم کامل اقتصادی و اجتماعی طبیعی را در حوضه خود شکل داده است و یک اصل و تبار فرهنگی هزارساله ایجاد کرده است که سرزمین وسیع استان سیچوان و شهرهای آبی در جیانگ‌نان (منطقه جنوب پایین دست رودخانه یانگ تسه) را به هم پیوند می‌دهد. برای احیای رودخانه مادر و حفظ منطقه اصلی که تمدن چینی در آن منشأ و توسعه یافته است، چین از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، یک استراتژی مدیریت سازمانمند رودخانه را راه‌اندازی کرده است. استان‌های حاشیه رودخانه با رعایت اصل «تمرکز مشترک بر حفاظت گسترده محیط‌زیست و عدم مشارکت در توسعه بیش‌ازحد» به بهبود اکولوژی محیط‌زیست و ترویج انتقال سبز اقتصاد و توسعه همه‌جانبه اجتماعی پرداخته است. از این رو، «ستارگان در آسمان وسیع آویزان هستند، همان‌طور که ماه بر روی رودخانه منعکس می‌شود و امواج موج می‌زند». (صحنه‌هایی که در شعری از دو فو، شاعری از سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷) به تصویر کشیده شده است، دوباره در منطقه باشکوه مخزن سه‌دره ظاهر شده است). کمربند اقتصادی رودخانه

<sup>۲۸</sup>. سخنرانی شی جین پینگ در مراسمی به مناسبت نود و پنجمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست چین، خبرگزاری شین هوا، ۱ ژوئیه ۲۰۱۶.

یانگ تسه در حال تبدیل شدن به عرصه اصلی برای اکولوژی چین است: اولین توسعه سبز، رگ آئورتی برای تضمین گردش دوگانه داخلی و بین‌المللی و نیروی پیشرو در هدایت توسعه اقتصادی باکیفیت.

تمدن چینی از کشاورزی و فراگیری برجسته‌ای برخوردار است. در امتداد جاده باستانی ابریشم، ابریشم، چینی، ظروف لاکه و آهنی چین به غرب معرفی شد؛ درحالی‌که فلفل، کتان، انگور، انار و سایر محصولات خارجی به کشور وارد شد. مسیر باستانی بودیسم، اسلام، نجوم، تقویم و پیشرفت‌های پزشکی را به چین آورد؛ درحالی‌که اختراعات علمی و فن‌آوری و فنون سرکشی<sup>۲۹</sup> نیز در سراسر جهان گسترش یافت.

شبکه باستانی مسیرها که بیش از یک هزار سال در جریان است، روح جاده ابریشم را با محوریت صلح و همکاری، بازبودن و فراگیری، یادگیری متقابل و منافع مشترک شکل داده است. چین، با انطباق با شرایط تاریخی جدید و به ارث بردن و ترویج روح جاده ابریشم، ابتکار عمل اتصالی را پیشنهاد داده است که به طور مشترک «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» و «جاده ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم» را می‌سازند. این ایده به گذشته بازمی‌گردد و معنای جدید معاصر را به جاده باستانی ابریشم اضافه می‌کند. تولد دوباره مسیرهای تجاری باستانی که اوراسیا و آفریقا را به یکدیگر متصل می‌کند به نفع مردم کشورهای شریک «ابتکار کمربند و جاده»<sup>۳۰</sup> بوده است. استان‌ها و شهرهای کلیدی داخلی در امتداد «کمربند و جاده» نیز در مسیر اقتصاد باز قدم گذاشته‌اند؛ از طریق یکپارچه بین فرهنگی. برای مثال، دانهوانگ، یک شهر مهم استراتژیک در جاده ابریشم، با ساخت منطقه دانهوانگ در منطقه آزمایشی آزاد تجاری گانسو، یک مرکز توزیع لجستیک واردات و صادرات و یک مرکز زنجیره تأمین تجاری ایجاد کرده است. میراث فرهنگی آن، این شهر در مسیر سریع اقتصاد کانال قرار دارد.

### شکوفایی فرهنگی موجب توسعه اقتصادی باکیفیت

فرهنگ تکیه‌گاهی اساسی در ترویج توسعه باکیفیت است.<sup>۳۱</sup> در پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، شکوفایی فرهنگی به هیچ وجه منزوی نیست بلکه همیشه با رونق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی همراه است. برای اطمینان از رویکردی جامع به طرح یک پارچه‌سازی این پنج حوزه برای دوره جدید، باید به فلسفه توسعه جدید پایبند باشیم و توسعه اقتصادی باکیفیت را با فرهنگ عالی تقویت کنیم.

همان‌طور که گفته می‌شود، «شهر سوژو به‌تنهایی الهام‌بخش نیمی از مجموعه شعر جیانگ‌نان است». سوژو که به‌خاطر دروازه‌های شهر باستانی با چیدمان خوب، خیابان‌های لانه‌زنبوری و کانال‌های متقاطع معروف است، میراث تاریخی و فرهنگی خود را با وجود فرازونشیب‌ها حفظ کرده است. رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در طی یک دور سرکشی به جیانگ سو در ژوئیه ۲۰۲۳ گفت: «سوژو کار بسیار خوبی در یکپارچه‌سازی سنت و مدرنیته انجام داده است؛ زیرا این شهر نه‌تنها میراث تاریخی و فرهنگی را به جلو می‌برد بلکه توسعه نوآوری‌های پیشرفته را که نشان‌دهنده توسعه آینده است، نیز پیش می‌برد»<sup>۳۲</sup>.

سوژو دارای کونکو اپرا، گو کین (یک زیت چینی هفت سیم)، پارچه ابریشمی از سلسله سونگ، کیسی (بافندگی مليله ابریشم چینی) است. هنر معماری سنتی شیانگ‌شان‌بانگ، آداب‌ورسوم جشنواره قایق اژدها سوژو، چای سبز بیلائوچوان، همه این‌ها چشم‌انداز فرهنگی بزرگی را تشکیل می‌دهد که به نظر می‌رسد توسط مادر طبیعت شکل گرفته باشد؛ هرچند به دست انسان. هم‌زیستی و رونق مشترک فرهنگ و اقتصاد فضای جدیدی را گشوده و امکانات جدیدی را برای توسعه به وجود آورده است. سیاست دیرینه شهر مبنی بر اولویت‌دادن به توسعه فرهنگ و اصلاح تکنیک‌های صنایع دستی باعث ایجاد مجموعه‌ای از صنایع دستی سوژو شده است که قبلاً در تاریخ در داخل و خارج از کشور مشهور بوده و مجموعه‌ای از صنایع پیشرفته در عصر مدرن را تشکیل می‌دهد و قدرت سوژو را به‌عنوان یک قدرت صنعت مطرح می‌کند: شهری صنعتی، نوآور و باز.

<sup>۲۹</sup>. پرورش کرم ابریشم

<sup>۳۰</sup>. Belt and Road Initiative (BRI)

<sup>۳۱</sup>. شی جین‌پینگ: سخنرانی در سمپوزیوم با حضور بخش‌های آموزش، فرهنگ، سلامت و ورزش، خبرگزاری شین هوا، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰.

<sup>۳۲</sup>. تبدیل تصویر زیبای نوسازی به سبک چینی به واقعیت گام‌به‌گام؛ سوابق دیدار دبیر کل شی جین‌پینگ از جیانگ سو، خبرگزاری شین هوا، جولای و ۲۰۲۳.

همان‌طور که ضرب المثل چینی می‌گوید: «بالای بالا بهشت است و پایین پایین سوژو و هانگژو». هانگژو نمونه کامل دیگری برای درک عمل پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» چین است.

به‌واسطه دریاچه غربی، تالاب ژئی‌ژئی، جزرومد کیانتنگ، اپرای یو، ابریشم، فرهنگ چای، علم و نوآوری، فرهنگ و گردشگری، اینترنت و... از سال ۲۰۰۳، تولید ناخالص داخلی هانگژو ۹ برابر با نرخ متوسط سالانه حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است. این شهر در میان بهترین شهرهای چین قرار دارد. میراث تاریخی و فرهنگی عمیق هانگژو و محیط انسانی هماهنگ، دوستانه و فراگیر جذابیت قابل توجه آن را تشکیل می‌دهد.

سپتامبر سال ۲۰۲۳، نوزدهمین بازی‌های آسیایی در هانگژو آغاز شد؛ زمانی که شعار المپیک «سریع‌تر، بالاتر، با هم قوی‌تر» در کنار شوروشوق تمدن چین، زیبایی رقابت‌های ورزشی و جذابیت پایتخت باستانی هزاره‌ها تکمیل شد.

هانگژو با هدایت هدف «به‌روزرسانی یک شهر با میزبانی یک رویداد بین‌المللی» ترافیک قابل توجهی را که توسط این رویداد ورزشی ایجاد می‌شود برای افزایش کیفیت توسعه آن هدایت کرده است، سود حاصل از این رویداد را به منافع اقتصادی تبدیل کرده است و جذابیت رقابت‌های ورزشی را تبدیل به یک رویداد کرده است. این اقدام، کاتالیزوری محوری برای تحریک نشاط اقتصادی و ایجاد یک رویداد ورزشی بین‌المللی در منطقه نمایشی برای رفاه عمومی که مظهر شیوه‌های «سبز، هوشمند، مقتصد و متمدن» برای جهان است.

«قدرت فرهنگ یا آنچه ما آن را قدرت نرم فرهنگی می‌نامیم که رقابتی همه‌جانبه را تشکیل می‌دهد، همیشه «بی‌سروصدا» در قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یکپارچه می‌شود و به تقویت‌کننده توسعه اقتصادی، چراغ هدایت تمدن سیاسی و چسبنده برای هماهنگی اجتماعی تبدیل می‌شود.<sup>۳۳</sup> توسعه باکیفیت «شهر بهشت» همیشه توسط شی جین‌پینگ درباره سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای دوره‌ای جدید هدایت شده است که بر اساس میراث تاریخی و فرهنگی هانگژو ساخته شده و زیربنای تمدن مدرن استان ژجیانگ است.

### تقویت اعتماد فرهنگی برای نمایش تصویر یک کشور بزرگ

اصل و نسب تاریخی و فرهنگی ملت چین عمیقاً با زندگی مدرن مردم چین یکپارچه شده است. به‌عنوان مثال، تلاقی مناظر، میراث فرهنگی و مردم، مکانی مدرن و سکونت‌پذیر را شکل می‌دهد و اعتماد مردم به فرهنگ چینی، وطن معنوی مشترکی را برای کل ملت ایجاد کرده است. این وضعیت توضیح می‌دهد که چرا چین، به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، هرگز برای پیشرفت چندان از خود راضی نبوده است بلکه همواره در تلاش بوده تا در عین حفظ اصول اساسی و متواضع و فراگیر، زمینه جدیدی را ایجاد کند.

پکن، پایتخت چین، دارای تاریخ بیش از ۳۰۰۰ سال به‌عنوان یک شهر و ۸۷۰ سال به‌عنوان پایتخت است. این، نه تنها گواه تمدن دیرینه چین است بلکه مظهر میراث فرهنگی عمیق ملت چین است. از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، پکن، به‌عنوان مرکز فرهنگی ملی که بر اساس چارچوب کلی «شهر تاریخی و فرهنگی با سه کمر بند و دو منطقه و حفظ ارزش‌های سوسیالیستی اصلی» هدایت می‌شود، به پرورش زمانه خود پرداخته است که با فرهنگ سرمایه باستانی، فرهنگ غنی و عمیق سرخ، فرهنگ متمایز به سبک پکن و فرهنگ نوآورانه و شکوفا ارج نهاده شده است. علاوه بر این، این پایتخت، حفاظت و میراث تاریخ و فرهنگ خود را با توسعه باکیفیت یکپارچه کرده است. پکن با پیشبرد سنت‌های تاریخی و فرهنگی و در عین حال باز و فراگیر در عصر جدید، اعتماد فرهنگی و فضایی انسان‌گرا را به‌عنوان پایتخت یک کشور بزرگ به نمایش گذاشته است.<sup>۳۴</sup>

مرکزی بودن پکن، بیش از هفت قرن ادامه داشته است. این میراث فرهنگی زنده همیشه با مردمی که در این سرزمین قدم می‌زنند، هم‌زیستی داشته است. موزه حزب کمونیست چین، آرشیو ملی انتشارات و فرهنگ، موزه قصر، آب‌نمای بین‌المللی رودخانه لیانگما، منطقه ملی نوآوری فرهنگی... هر بازار خیابانی، هر چشم‌انداز و هر خط افق در پکن رو به جلو بوده است. پکن، از طریق خاطرات

<sup>۳۳</sup>. شی جین‌پینگ: «فرهنگ روح است، به نقل از ژجیانگ، چین: چشم‌اندازی برای توسعه، خانه انتشارات مردم ژجیانگ، اگوست ۲۰۰۷، صفحه ۱۴۹.

<sup>۳۴</sup>. پکن توسط پکن پایتخت چینی که میراث فرهنگی هزاران ساله را رمزگشایی می‌کند به‌عنوان نمونه‌ای از اعتماد فرهنگی شکل گرفته است، خبرگزاری شین هوا، ۱۲

ملت با دیوار بزرگ باستانی، سمفونی‌ها، جینگیون داگو (قصه‌سرایی به گویش پکنی با همراهی طبل) و قصیده پرچم سرخ... در برقراری ارتباط با فرهنگ سنتی و مطلوب چین و استفاده از آن و تبدیل به «چینی» بهتر عمل می‌کند. جشنواره‌ها به «جشنواره‌های جهانی» تبدیل شده و عناصر چینی را قادر می‌سازد تا در صحنه جهانی بدرخشند.

شانگهای، موتور مهم رشد اقتصادی چین، در حال تبدیل شدن به مرکز نوآوری فن‌آورانه اقتصادی، بین‌المللی، مالی، تجاری، حمل‌ونقل است. همان‌طور که فرهنگ سرخ، فرهنگ هایپای (به سبک شانگهای) و فرهنگ جیانگ نان در شانگهای موج می‌زند و در هم می‌آمیزد، صنایع فرهنگی و خلاقانه، خدمات نمایشگاهی و رویدادهای بین‌المللی آن اعتماد فرهنگی را به نمایش می‌گذارد که با «شمول و فروتنی باشکوه» مشخص می‌شود.

محل برگزاری اولین کنگره ملی حزب کمونیست چین<sup>۳۵</sup> که بیش از یک قرن در خیابان شینگیه ۷۶، در منطقه هوآنگ‌پو قرار دارد، مانند همیشه جدید باقی مانده است. در مجاورت این محل، منطقه تجاری شلوغ شینتیاندی قرار دارد و آنها یک فضای فرهنگی باز و به سبک بلوک را تشکیل داده‌اند که به یکی از جذاب‌ترین نشانه‌های فرهنگی در قلب بیشتر مردم چین تبدیل شده است. نمایشگاه ملی و مرکز همایش (شانگهای)، واقع در حومه غربی شانگهای، دارای یک طرح معماری است که شبیه یک شبدر چهاربرگ است که نمادی از شانس خوب است. این نمایشگاه سالانه شرکت‌های برتر جهان را جذب می‌کند و به یک برند ملی جدید تبدیل شده است. نمایشگاه بین‌المللی واردات چین که سالانه در شانگهای برگزار می‌شود، به‌عنوان اولین نمایشگاه در سطح ملی جهان که موضوع آن واردات است، نه‌تنها یک پلت‌فرم مهم برای خرید بین‌المللی و ترویج سرمایه‌گذاری است بلکه مروج تبادلات فرهنگی جهانی و همکاری‌های باز است.

## ۲. ترویج تجارت همراه با فرهنگ: فرهنگ بخش اساسی توسعه اقتصادی است

نوسازی چینی بُعد مادی و معنوی تمدن را با هم هماهنگ می‌کند. با کاوش عمیق در ارزش‌های فرهنگی، نوآوری در بیان‌های فرهنگی و ترویج یکپارچه عمیق فرهنگ با سایر قالب‌های اقتصادی، شیوه‌های پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، فرهنگ را قادر می‌سازد تا ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهد و خلاقیت را تحریک کند. همچنین می‌تواند کیفیت توسعه را افزایش و بهینه‌سازی و ارتقاء ترکیبات اقتصادی را ترویج دهد.

### نوآوری و آفرینش فرهنگی ارزش اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد

ابریشم و ظروف چینی نمادهای جهانی و فرهنگی چین برای آشنایی با این کشور است و برای چین در راستای قدم‌گذاشتن در صحنه بین‌المللی مهم هستند. پارچه ابریشمی سلسله سونگ که در قرن دوازدهم به وجود آمد، یکی از سه پارچه ابریشمی معروف است. صنعت ساخت پارچه ابریشمی از سلسله سونگ در دوران مدرن تقریباً از بین رفته بود اما به لطف یک شرکت ابریشم در سوژو، پس از سال‌ها آزمون و خطا، نه‌تنها این صنعت را احیا بلکه ماشین‌بافی را نیز اختراع کرد. «براده» سلسله سونگ مجدداً وارد بازار جهانی شده است و خود را برای مصرف‌کنندگان روزمره قابل دسترس کرده است.

پایتخت چینی کشور، ژینگدزهن، واقع در استان جیانگشی، جایی است که فرهنگ چینی با قدمت هزاره با صنعت فرهنگی و خلاق مدرن روبه‌رو می‌شود. حدود ۵۸۰۰۰ کارگاه چینی دست‌ساز در سطح شهر پراکنده است. تنها در یک بلوک فرهنگی و خلاق، بیش از ۲۰ هزار سازنده وجود دارد که ۲۹۰۲ نهاد کارآفرین ایجاد کرده و بیش از ۱۰۰ هزار نفر را در صنایع بالادستی و پایین‌دستی به کار می‌گیرند. یکپارچه‌سازی فرهنگ و صنعت در ژینگدزهن، هنرمندان و علاقه‌مندان به سرامیک را از کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده، فرانسه، سنگاپور و کره جنوبی جذب کرده است تا برای کارهای شخصی در اینجا اقامت کنند. در این مجموعه در دوران اوج خود، بیش از ۵۰۰۰ «جنگدژن رانده خارجی» وجود داشته است که پدیده منحصر به فرد «مهاجرت فرهنگی» را تشکیل می‌داد.

35. Communist Party of China (CPC)

میراث تاریخی و فرهنگی نه تنها داستان‌های زنده گذشته را بیان می‌کند بلکه بر حال و آینده تأثیر عمیقی می‌گذارد. از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، این کشور برنامه‌هایی را برای زنده‌نگه‌داشتن فرهنگ سنتی و مطلوب چین اجرا کرده است، پژوهش‌هایی را درباره ریشه‌یابی منشأ تمدن چین ترویج و ارائه فرهنگ سنتی چین را نوآوری می‌کند. با انجام این کار، این کشور قصد دارد آثار فرهنگی ذخیره‌شده در موزه‌ها، میراث‌های نمایش داده‌شده در سراسر سرزمین پهناور و کتاب‌های نوشته‌شده در کتاب‌های باستانی را زنده و نوآوری فرهنگی و نشاط خلاقانه کل ملت چین را آزاد کند.

همان‌طور که خورشید را می‌توان از طریق یک قطره آب دید، کل چین از طریق یک شهر باستانی قابل مشاهده است. هنگام قدم‌زدن در پینگیاو، یک شهر باستانی با قدمت بیش از ۲۸۰۰ سال در استان شانسی، بازدیدکنندگان می‌توانند از طریق آجرهای خاکستری و کاشی‌های سیاه رنگ، جذابیت عجیب آن را مشاهده کنند. از آثار فرهنگی و ساختمان‌های تاریخی که در شهر پراکنده‌اند تا فرهنگ عامیانه منطقه‌ای که در طول زمان انباشته شده است، همه چیز مانند گذشته حفظ شده است. پینگ یاو به‌عنوان مکان میراث فرهنگی و جهانی شناخته شده است. علاوه بر این، در خاک فرهنگ سنتی، اشکال فرهنگی معاصر مانند نمایشگاه‌های عکاسی، فیلم و مجسمه‌سازی ریشه دوانده است و به نامی برای شهر باستانی در عصر جدید تبدیل شده و توسعه اقتصادی محلی را تقویت کرده است.

تحول خلاقانه و توسعه نوآورانه فرهنگ سنتی چینی به توسعه اقتصادی و اجتماعی مدرن انرژی بخشیده است. شوق موزه، شور میراث فرهنگی ناملوس و شوق جشنواره‌های سنتی سراسر کشور را فراگرفته است. محصولات خلاق فرهنگی شیک چینی، لباس هانفو به سبک باستانی (به سبک سلسله هان) در حال افزایش محبوبیت هستند و آثار هنری پرفورمنس که دارای زیبایی‌شناسی چینی هستند، مانند ضیافت شبانه در قصر سلسله تانگ و رقص شاعرانه: سفر یک نقاشی منظره افسانه‌ای، در گیشه به‌خوبی تحسین شده و موفق هستند. همه این مثال‌ها گویای رشد اقتصادی مبتنی بر فرهنگ است که ذهن مردم را تغذیه می‌کند و اشکال جدید اقتصادی انسان‌گرا را ایجاد می‌کند.

### **رونق عرضه و تقاضای فرهنگی، نشاط اقتصادی و اجتماعی را تقویت می‌کند**

چین وارد مرحله توسعه جدیدی شده است و مردم به دنبال برآوردن نیازهای معنوی خود پس از برآورده شدن نیازهای مادی خود هستند. از این رو، تقاضای فزاینده‌ای برای مصرف فرهنگی برای رفع نیازهای مردم برای زندگی بهتر وجود دارد. فرهنگ، مردم را متمدن می‌کند. مصرف فرهنگی به انتقال ارزش‌ها، احساسات و ویژگی‌های انسان‌گرایانه از طریق محصولات و خدمات کمک می‌کند و در عین حال منافع اقتصادی را به همراه دارد. علاوه بر این، جهان معنوی مردم را غنی و اعتماد فرهنگی ملت را تقویت می‌کند.

«چانگان تا زمانی که شعر زنده است، زنده است». فیلم پویانمایی خانگی پانگان با ۴۸ شعر میهن‌پرستی شاعران، تانگ گائو شی و لی بای را روایت می‌کند که طنین شدیدی در بین مردم چین برانگیخت. این فیلم تا ۳۱ اگوست ۲۰۲۳ بیش از ۱.۸ میلیارد یوان (۲۴۶ میلیون دلار) فروخته بود و در تابستان همان سال در گیشه به محصولی پرفروش تبدیل شد.

چیزی که خارق‌العاده است نه تنها باکس آفیس بالای آن بلکه مجموعه‌ای از پدیده‌های فرهنگی‌ای است که به وجود آورده. مثلاً سینما تبدیل به محل بزرگ شعرخوانی کودکان شد. اسپین‌آف‌های فیلم، مانند کلچین شعر چانگان، فروخته شد و لباس‌های سنتی و رقص‌های موجود در فیلم باعث تقلید گسترده شد... این نشان می‌دهد که تجربه مصرف فرهنگی می‌تواند بذری از خاطرات فرهنگی و اعتمادبه‌نفس را در دل مصرف‌کنندگان بکارد.

از منظر خود فعالیت اقتصادی، تقاضای مردم برای مصرف فرهنگی برای ارضای اشتیاق آنها برای زندگی بهتر روزبه‌روز در حال افزایش است. هنگامی که تقاضای روزافزون برای مصرف فرهنگی با دومین بازار مصرف‌کننده بزرگ جهان مواجه می‌شود، فضای وسیع جدیدی را برای توسعه صنعت فرهنگی باز می‌کند و تاب‌آوری و سرزندگی توسعه اقتصادی را افزایش می‌دهد.

بازار پررونق هنرهای نمایشی در سال ۲۰۲۳ نمونه‌ای از این موارد است. گزارش ملی عملکرد بازار برای نیمه اول سال ۲۰۲۳ (منتشرشده توسط انجمن هنرهای نمایشی چین) نشان داد که در مجموع ۱۹۳۳۰۰ نمایش هنری تجاری (به استثنای اجرا در مکان‌های سرگرمی) در نیمه اول سال، یک سال بعد، روی صحنه رفته است. با افزایش سالانه بیش از ۴۰.۸۶ درصدی، درآمد

باکس آفیس به ۱۶۷۹۳ میلیارد یوان (۲.۳۰ میلیارد دلار) رسید که نسبت به سال قبل ۶۷۳.۴۹ درصد افزایش داشت. تعداد کل افراد شرکت کننده حدود ۶۲ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر بود که ده برابر بیشتر از مدت مشابه سال قبل است. در میان تمام اجراها، کنسرت های بزرگ مصرف گردشگری را برای رفع نیازهای فرهنگی مختلف مردم سوق داده است. فضاهای جدید هنرهای نمایشی که عملکرد، پذیرایی، گردشگری و سایر صنایع را یکپارچه می کنند، می توانند مصرف کلی را نیز افزایش دهند. در شهر، عرضه و تقاضا در استریپ مال ها و فروشگاه های رفاه، به طور کامل نشان دهنده اثر تجمع در مصرف فرهنگی است.

مصرف کالاها و خدمات فرهنگی یک خواسته برای مردم چین و بشریت است. بازی گنشین ایمپکت<sup>۳۶</sup>، یک بازی اکشن نقش آفرینی چینی، در بیش از ۱۰۰ کشور در سراسر جهان منتشر شده است و از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲ یکی از بازی های مورد بحث در میان کاربران شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) بوده است. حتی ایلان ماسک، مدیر عامل شرکت تسلا در توییته نوشت: «بی صبرانه منتظر حضور در گنشین ایمپکت هستم». این بازی با طرح ها، صحنه ها و جزئیات آغشته به فرهنگ چینی، به بازیکنان در سراسر جهان این امکان را می دهد تا از سرگرمی بازی لذت ببرند و در عین حال لذت های زیبایی شناختی را نیز تجربه کنند. مجموعه ای از محصولات فرهنگی، از جمله بازی ها، مان ها، فیلم ها و سریال های تلویزیونی در داخل و خارج از کشور رایج هستند و دریچه جدیدی را به روی جهان برای درک چین می گشایند.

### «فرهنگ پلاس» به ارتقاء مصرف و تحول صنعتی سوخت می افزاید

فرهنگ عامل افزایش و موتور توسعه باکیفیت است. با تغییرات زمانه، مردم در هنگام خرید محصولات و خدمات مصرفی، علاوه بر ارزش های کاربردی، به ارزش های فرهنگی خود از جمله ارزش های عاطفی و نمادین توجه بیشتری می کنند. گنجاندن عناصر فرهنگی در محصولات و صنایع می تواند به چین در اصلاحات ساختاری طرف عرضه کمک و فعالیت اقتصادی و ارتقای مصرف را ترویج کند.

در گزارش بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست چین اشاره شده است: «ما از تعامل مثبت بین فرهنگ و گردشگری پشتیبانی خواهیم کرد و یکپارچگی عمیق تر این دو بخش را پیش خواهیم برد». «شعر» و «مکان های تاریخی» تقاضای مردم برای فرهنگ و مصرف گردشگری را برانگیخته است. بر اساس اعلام وزارت فرهنگ و گردشگری، در نیمه اول سال ۲۰۲۳، تعداد کل ۲.۳۸۴ میلیارد سفر داخلی انجام شد و درآمد گردشگری داخلی (کل هزینه های گردشگری) به ۲.۳ تریلیون یوان (۳۱۰ میلیارد دلار) رسید که نسبت به سال های قبل ۶۳.۹ درصد و ۹۵.۹ درصد افزایش یافت.

شیان در استان شانشی با فضای هزار ساله سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷) گردشگران را مجذوب خود می کند. اندکی پس از فرارسیدن شب در شهر، مردم در زیر بتکده غاز وحشی غول پیکر و در خیابان عابر پیاده شهر همیشه روشن سلسله تانگ ازدحام می کنند. در امتداد بلوار دو کیلومتری، معماری به سبک تانگ با لبه های پرنده و آلاچیق های چندلایه فراوان است. ده ها نمایش با مضمون فرهنگ سلسله تانگ، تماشاگران را به خود خیره می کند و گردشگرانی که لباس های تانگ پوشیده اند، خود را به سلسله با شکوه تانگ می رسانند. این شهر باستانی ۳۱۰۰ ساله، با سابقه ۱۱۰۰ ساله به عنوان پایتخت، صنعت فرهنگی و گردشگری را به عنوان نقطه کانونی برای نمایش تمدن چین و ساختن خود به عنوان یک مرکز جهانی برای علوم انسانی قرار داده است.

در سال های اخیر شاهد رشد چشمگیر صنایع فرهنگی و گردشگری در رابطه با اشکال کسب و کار، محصولات و بازارها بوده ایم. اشکال تجاری یکپارچه مانند هنرهای نمایشی گردشگری، گردشگری سرخ، گردشگری روستایی و گردشگری میراث فرهنگی به صورت قارچ گونه رشد کرده اند.

در یکپارچگی صنعت، عناصر فرهنگی به طور گسترده و عمیق با حوزه های مختلف اجتماعی و اقتصادی یکپارچه شده اند. فرهنگ در حال گذار از حوزه های سنتی مانند هنر، روزنامه نگاری، فیلم و نشر به سمت نوآوری است.

در نوزدهمین نمایشگاه بین المللی صنایع فرهنگی چین (شنژن)، محصولات جدید با «فرهنگ پلاس فن آوری»، «فرهنگ پلاس خلاقیت» و «فرهنگ پلاس تولید» توجه زیادی را به خود جلب کرده اند. آنها نشان دادند که قالب های فرهنگی جدید می توانند

فرصت‌های جدیدی را برای کیفیت بالای چین به ارمغان بیاورند: توسعه و تبدیل بیشتر محصولات «ساخت چین» به محصولات «تولیدشده در چین». در سال ۲۰۲۲، درآمد تجاری چین از صنعت فرهنگی به ۱۶ هزار و ۵۵۰ میلیارد یوان (۲ هزار و ۲۶۱ میلیارد دلار) رسید. از جمله انتشارات دیجیتال، انیمیشن، خدمات محتوای دیجیتال بازی و تولید تجهیزات فرهنگی هوشمند پوشیدنی، درآمد کسب‌وکار ۵۰۱۰۶ میلیارد یوان (۶۸۴۰۷۰ میلیارد دلار) به دست آورد که ۷ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. این افزایش با نرخ رشد ۵۰۷ درصد و سریع‌تر از سایر صنایع فرهنگی بوده است<sup>۳۷</sup>. گسترش و رشد شکل‌های جدید کسب‌وکار فرهنگی، تحول و ارتقای صنایع و بهینه‌سازی ساختاری آن‌ها را به شدت تسریع کرده است.

### ۳. توانمندسازی فرهنگی: فرهنگ موجب توسعه اقتصادی می‌شود

از تجربه تولید برای پشتیبانی از میراث فرهنگی تا اثربخشی توسعه انباشته‌شده از طریق ترویج ایده‌های انسان‌گرایانه و از حرکت روبه‌جلو ایجادشده از طریق اخلاق ملی تا جهت توسعه که توسط سیستم ارزشی هدایت می‌شود، فرهنگ نیروی مرکزگرای قوی برای چین جمع‌آوری کرده است تا خود را در آن بسازد. با این روش، یک کشور مدرن سوسیالیستی و نیروی عظیمی را که توسط نوسازی چین هدایت می‌شود، می‌توان گرد هم آورد و جوان‌سازی ملت چین را در همه جبهه‌ها پیش برد.

### برانگیختن انگیزه معنوی

«بدون هدایت فعال فرهنگ والا، غنی‌سازی بزرگ دنیای معنوی مردم و تقویت مستمر اخلاق ملی امکان ندارد کشور یا ملتی در میان ملت‌های جهان قد علم کند»<sup>۳۸</sup>. هدایت توسعه باکیفیت از طریق فرهنگ، تنها به معنای توانمندسازی مردم برای داشتن معنویت نیست بلکه لذت‌بردن و غنی‌سازی درباره ساختن یک نظام ارزشی جدید و ایجاد انگیزه پایان‌ناپذیر برای پیشرفت شخصی و ملی است.

در ۶ ژوئیه ۲۰۲۳، هنگامی که رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ از شهر سوژو در استان جیانگ سو بازدید کرد، با لو جیانینگ، نماینده گل‌دوزی سو که در فروشگاه‌های در بلوک فرهنگی تاریخی پینگجیانگ کار می‌کرد، ملاقات کرد. او پس از این که فهمید یک قطعه گل‌دوزی سو ممکن است یک سال طول بکشد، شگفت‌زده شد. او گفت: «گل‌دوزی سو نشان‌دهنده قدرت میراث فرهنگی چینی است. چنین صنعتگری‌ای، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری، صبر و اراده مردم چین است که بخشی از اخلاق ملی چین است». با برگزاری اولین حراج زمین در چین، بورس اوراق بهادار در شنژن رهبری معاملات متمرکز را بر عهده گرفت و اولین مرکز مبادله ارز در این کشور را تأسیس کرد. به‌عنوان منطقه پیشگام و منطقه آزمایشی اصلاحات و بازگشایی چین، منطقه ویژه اقتصادی شنژن حدود ۱۰۰۰ تجربه «اولین در چین» را ایجاد کرد و به تحول تاریخی از یک شهر مرزی پس‌آب به یک کلان‌شهر بین‌المللی با نفوذ جهانی دست یافته است. مجله اکونومیست، زمانی اظهار داشت: «جهان در حال حاضر حدود ۴۳۰۰ منطقه ویژه اقتصادی را شامل می‌شود و تعداد بیشتری به این مناطق دائما اضافه می‌شوند. طرفداران مناطق ویژه اقتصادی، علاقه دارند تا به چند داستان موفقیت اشاره کنند که هیچ کدام بزرگتر از منطقه چین در نزدیکی هنگ‌کنگ نیست که در این منطقه راه‌اندازی شده است. سال ۱۹۸۰ و از آن زمان به‌عنوان «معجزه شنژن» نام‌گذاری شد. آنچه در پس «معجزه شنژن» نهفته است، روحیه تلاش، رهبری و سخت‌کوشی است. اکنون مأموریت و وظیفه جدید به آن سپرده شده است تا خود را به یک سازمان تبدیل کند. شنژن به روح منطقه ویژه اقتصادی خود (منطقه نمایش آزمایشی سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی با اصلاحات جامع) پایبند است تا فصل‌های جدیدی از داستان موفقیت خود را بنویسد.

فرهنگ مطلوب چینی عمیق‌ترین تعقیب معنوی ملت چین را متبلور می‌کند و هویت معنوی منحصر به فرد آن را نشان می‌دهد. در میان اخلاق چینی، روحیه ملی قراردادن ملت برتر از خود، فداکاری صمیمانه به کشور، روحیه اصلاح و نوآوری، اعتقاد به پاداش دادن

<sup>۳۷</sup>. گزارش توسعه فرهنگ ملی و صنایع وابسته در سال ۲۰۲۲، دفتر ملی آمار چین، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۳.

<sup>۳۸</sup>. گردآوری گزیده‌ای از اندیشه شی جین‌پینگ درباره سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای یک دوره جدید، انتشارات مطبوعاتی ادبیات حزب مرکزی و انتشارات مواد خواندنی ساختمان حزب، نسخه ۲۰۲۳، صفحه ۳۰۵.

به سخت کوشی توسط قوانین طبیعی و فضایل خیرخواهی، عدالت، شایستگی، خرد و قابل اعتماد بودن به طور جمعی شخصیت فرهنگی ملت چین را تشکیل می‌دهد. در جایی که به فرهنگ انقلابی مربوط می‌شود، روح موسس حزب، روح جنگانگشان، روح مارس طولانی، روح یانان و روح شیباپو، ملت چین را به استقلال رسانده است. درباره فرهنگ سوسیالیستی پیشرفته، روح کانال هونگکیکو، روح منطقه ویژه اقتصادی، روح برنامه فضایی سرنشین دار و روحیه کارگر نمونه چین را به ایجاد معجزات جهانی توسعه سریع اقتصادی سوق داده است.

از آنجایی که چین قرار است سفر جدیدی را آغاز کند، فرهنگ منبع اصلی قدرت برای غلبه بر انواع خطرات و چالش‌ها در مسیر آینده خواهد بود. فرهنگ چینی با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌ها، قدرت معنوی عظیمی را در عمل به ارمغان آورده است و میهن معنوی ملت چین را تحکیم می‌کند و اعتماد فرهنگی مردم چین را تقویت می‌کند.

## تحقق هدایت ارزش

فرهنگ و خلیات سنتی چین به عنوان «سرچشمه مهم» پرورش ارزش‌های سوسیالیست و ساختن یک تمدن مدرن چینی عمل می‌کند.

چین برای همیشه به فرهنگ به عنوان راهنمایی ارزشی در توسعه اقتصادی اهمیت زیادی داده است. به عنوان مثال، زمانی که دولت‌ها اهداف توسعه اقتصادی را تعیین می‌کنند و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و اقدامات اصلاحی قابل توجهی را به اجرا می‌گذارند، یا زمانی که بنگاه‌ها انواع فعالیت‌های اقتصادی را انجام می‌دهند، باید با الزامات اصلی ارزش‌های سوسیالیستی مطابقت داشته باشند و به وحدت ارگانیک بین رفتار اقتصادی و جهت‌گیری ارزشی، بین منافع اقتصادی و اجتماعی توجه کنند تا در نتیجه به تعاملی مثبت بین اقتصاد بازار و ساخت اخلاقی دست یابند. در همین حال، چین محتوای اصلی ارزش‌های سوسیالیستی را ترویج می‌کند تا آنها را بخشی از هویت عاطفی و عادات رفتاری مردم چین کند.

ما باید از وقف خود به حرفه خود دفاع کنیم و تلاش‌های خود را فداکارانه وقف نفع جامعه کنیم و در نتیجه از طریق فداکاری خود زندگی رضایت‌بخشی ایجاد کنیم. در کارگاه‌های کارخانه، جوانان «یقه آبی» وجود دارند که مهارت‌های خود را سخت به کار می‌برند و برای برتری تلاش می‌کنند تا به جهانی شدن محصولات «ساخت چین» و «تولید شده در چین» کمک کنند. در مزارع، «کشاورزان جدید» متولد دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ وجود دارند که به طور خستگی‌ناپذیر و با سخت کوشی کشاورزی می‌کنند تا امنیت غذایی چین را تضمین کنند. در کارگاه‌های ساختمانی، کارگران مهاجر جوانی هستند که شبانه‌روز کار می‌کنند تا معجزه «ساختمان‌های بلندی که یک‌شبه مستقیماً از زمین بلند می‌شوند» را خلق کنند...

ما باید از صداقت، امانت‌داری و زمینی‌بودن دفاع کنیم تا برای خود و دیگران سودمند باشیم. یک جمله معروف در آنالکت‌های کنفوسیوس هست که می‌گوید: «مرد بدون صداقت قادر به هیچ کاری نیست». در ارزش‌های چینی، صداقت هم برای تثبیت خود در جامعه و هم برای اداره کشور ضروری است. کوفو در استان شاندونگ، زادگاه آیین کنفوسیوس، مسیرهای جدیدی را برای یکپارچه تمرین فرهنگ سنتی چینی مطلوب و فرهنگ صداقت برای دوره جدید با ساخت سیستم اعتبار اجتماعی کاوش کرده است. این شهر همچنین پرورش صداقت را در وظایف حیاتی مناطق روستایی از جمله ترویج فضایل و سبک زندگی سالم در عصر جدید، احیای روستاها و پیشبرد صداقت روستایی با تشویق روستاییان به رعایت ارزش‌های خوب خانوادگی و انجام کارهای نیک در روستاها و در زندگی روزمره گنجانده است.

ما باید از هماهنگی، دوستی و کمک متقابل حمایت کنیم و قدرت خیریه را کامل کنیم. حمایت از بشردوستی از طریق کمک‌های داوطلبانه به یک انتخاب رایج برای افراد ثروتمند و شرکت‌های مسئول تبدیل شده است. همچنین روشی معنادار برای ایفای نقش بشردوستی در توزیع مرسوم است. خیریه در چین به دوران باستان باز می‌گردد. در اوایل سلسله هان شرقی (۲۵-۲۲۰ پس از میلاد)، اقدامات خصوصی خیریه، مانند فقرزدایی و امدادسانی هنگام بلا یا وجود داشت. امروزه، بیشتر کارآفرینان چینی و مردم عادی با دیدگاهی سالم نسبت به ثروت، مایلند درآمد خود را برای کمک به دیگران اهدا کنند. در سه سال اخیر، سالانه بیش از ۱۰ میلیارد نفر در فعالیت‌های بشردوستانه اینترنتی شرکت کردند. تا پایان سال ۲۰۲۲، بیش از ۱۰ هزار سازمان خیریه در چین به ثبت



رسیده است. همچنین، قراردادهای امانی خیریه بیش از ۴ میلیارد یوان (۵۵۰ میلیون دلار) بوده و کل کمک‌های بشردوستانه، سالانه از ۲۰۰ میلیارد یوان (۲۷.۳۴ میلیارد دلار) فراتر رفته است.

## افزایش اثربخشی توسعه

در سال ۲۰۰۵، سیستم آبی‌پروری کینگتین که در شهر لیشوی استان ژجیانگ ایجاد شد، به‌عنوان اولین سیستم میراث کشاورزی مهم چین در سطح جهانی شناخته شد.

این سیستم، یک رویه و شیوه زندگی هزاره‌ای مبتنی بر کشاورزی بومی را منعکس و رابطه هم‌زیستی بین تولید ماهی و برنج و استفاده بهینه از شالیزارهای برنج را برجسته می‌کند و وحدت بهشت و انسان را تجسم می‌بخشد. این سامانه همچنین، فرایند کشاورزی چرخه‌ای و زیست محیطی را شکل می‌دهد. پس از بیش از هزار سال توسعه و بهینه‌سازی در روزهای مدرن، جامعه محلی مدلی را برای کشاورزی ایجاد کرده است که در آن شالیزار برای رشد برنج و آب برای رشد ماهی به کار می‌رود و ضایعات ماهی کود شالیزارها و غذای ماهی را شکل می‌دهد. به این ترتیب، برنج و ماهی با یکدیگر هم‌زیستی دارند. این مدل نه‌تنها زندگی کشاورزان را بهبود بخشیده است بلکه حس قدردانی نسبت به طبیعت را در آنها برانگیخته است.

تا به امروز، ۱۹ مکان در چین به فهرست سیستم‌های میراث کشاورزی مهم در سطح جهان اضافه شده‌اند که چین را به بزرگ‌ترین مشارکت‌کننده در فهرست جهانی تبدیل کرده است. از هم‌زیستی بین برنج و ماهی و سیستم کشاورزی تراس‌دیم گرفته تا مناظر روستایی با خانه‌های روستایی، درختان کهنسال و کوچه‌های طولانی، سیستم‌های میراث کشاورزی مهم جهانی چین مظهر مفهوم اکولوژیکی «استفاده از منابع طبیعی به شیوه‌ای متوسط و سنجیده» هستند و باورهای رایج مبنی بر این که کشاورزی و کتاب‌خوانی زربنای موفقیت مردم در جامعه است و همسایگان باید از یکدیگر حمایت و کمک کنند، شکل گرفته است. در مجموع، آنها داستان‌های واضح چینی را یکی پس از دیگری برای جامعه کشاورزی جهان تعریف می‌کنند. در طول هزاران سال، ملت چین فرهنگ کشاورزی‌ای را توسعه داده است که می‌توان آن را به‌عنوان «تطابق با فصل، اتخاذ شرایط مناسب، رعایت قوانین کشاورزی و زندگی در هماهنگی با طبیعت» خلاصه کرد. این وضعیت نه‌تنها تولید کشاورزی را هدایت بلکه تمدن چین را نیز ارائه می‌کند که سهم اساسی تمدن کشاورزی چین در جهان است.

چین در حال افزایش تلاش‌ها برای ادامه حیات روستایی در همه جبهه‌هاست. خرد کشاورزی، فلسفه زیست‌بوم خاص و خودمختاری روستاییان که در میراث کشاورزی منتقل می‌شود، پیوندهای درونی نزدیکی با الزامات استراتژی زنده‌سازی روستایی دارد: «ساختن مناطق روستایی با مشاغل پُررونق، محیط‌های زندگی دل‌پذیر، آداب اجتماعی و مدنیت، حکمرانی مؤثر و رفاه». این روش می‌تواند به‌طور قابل توجهی به حیات روستایی چین و مدرن‌سازی به سبک چینی دامن بزند.

در پای دیوار بزرگ و در کنار دریاچه یانگی، منطقه هواپرو پکن از منابع فرهنگی و میراث تاریخی خود برای ایجاد محیطی انسان‌گرا، آزادسازی پتانسیل فرهنگی خود و ترویج ساخت یک اقلیم انسان‌گرا استفاده می‌کند.

حومه بیرونی پکن که قبلاً به دلیل «آب‌های شفاف و کوه‌های سرسبز» شناخته می‌شد، به یکی از مناطقی با بیشترین تمرکز زیرساخت‌های علمی و فن‌آوری ملی تبدیل شده است. در مارس ۲۰۲۳، شتاب‌دهنده پُرانرژی و خطی منبع نور تابش سینکروترون در چین با موفقیت اولین پرتو الکترونی خود را تاباند. مجموعه‌ای از «ستون‌های قدرت بزرگ»، مانند تسهیلات کاربر شرایط شدید هم‌افزایی و تسهیلات شبیه‌ساز عددی علم سیستم زمین، قبلاً پیاده‌سازی شده‌اند.

فرهنگ، روح است و روح نیروی محرکه. منطقه هواپرو در پکن مفهوم توسعه انسانی «بازبودن، فراگیربودن و نوآوری» را مطرح کرده است که قدرت هم‌گرایی، هدایت عمل و بهبود کارایی را برای کمک به منطقه ایجاد الگوی توسعه یکپارچه «۱+۳» به رهبری شهر علمی هواپرو دارد. این شهر سه «کارت نام» برای خود ساخته است: شهر علمی هواپرو، پایتخت کنفرانس بین‌المللی و پایتخت فیلم چین.

#### ۴. حمایت قوی: توسعه اقتصادی مفهوم فرهنگی را غنی می‌کند

فرهنگ در معنای وسیع، مجموع ظرفیت تولید مادی و معنوی و ثروت مادی و معنوی ایجاد شده توسط انسان در عمل اجتماعی را در برمی‌گیرد. کل رفتار اقتصادی، رفتار فرهنگی است. همه کالاها و خدمات حامل فرهنگ هستند و همه ثروت تبلور ارزش فرهنگی است. از دیدگاه پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، توسعه اقتصادی ارزش فرهنگی ایجاد می‌کند. همچنین، این مدل از توسعه، محیطی فرهنگی ساخته و روح فرهنگی را نیز شکل می‌دهد و به‌طور مستمر مفهوم فرهنگ را غنی می‌کند. علاوه بر این، میراث فرهنگی، ویژگی‌های زمان و تأثیر عمیق تمدن مدرن چین را به تصویر می‌کشد.

#### توسعه اقتصادی ارزش فرهنگی ایجاد می‌کند

بهترین باریکیو را کجا می‌توان داشت؟ زیبو در شان‌دونگ! سه‌تکه پن‌کیک، پیازچه و سس، روح یک کباب عالی را تشکیل می‌دهد. از مارس ۲۰۲۳، باریکیو زیبو در اینترنت به یک هیجان تبدیل شد و خیلی زودی به شهرت ملی رسید. به لطف شور و شوق باریکیوی زیبو، سفارش‌ها برای سفر به زیبو در تعطیلات اول ماه مه، در سال ۲۰۲۰ درصد افزایش یافت و گردشگران را از سراسر کشور جذب کرد. شوق باریکیو در زیبو نه‌تنها یک مد روز است بلکه باعث ایجاد یک پدیده فرهنگی معمولی نیز شده است. پشت آن تبادلی برابر و آزاد، محیطی آزاد و آرامش بخش و نگرش محترمانه و فراگیر وجود دارد و از این رو، باریکیوی زیبو، بیشتر، جشن فرهنگی است تا غذایی لذیذ.

غذا همیشه می‌تواند طنین عاطفی را برانگیزد. استفاده از غذا به‌عنوان حامل و فرهنگ به‌عنوان هسته، اغلب، می‌تواند پدیده‌ها، تجربیات و ارزش‌های فرهنگ‌های جدید را تسریع کند. از سال ۲۰۱۲ که مستند غذای پرترفدار «لقمه‌ای از چین» ساخته شد، مستندهایی که فرهنگ غذایی و آداب و رسوم مکان‌های مختلف چین را معرفی می‌کنند به یک ژانر مهم تبدیل شده و به محبوبیت زیادی دست یافته‌اند. مستندهای غذایی مانند «داستان چوانر»، «لقمه‌ای از گوانگدونگ»، «روزی روزگاری» و «طعم سین‌کیانگ» مخاطبان را به خوردن غذاهای لذیذ محلی و بازدید از رستوران‌های معروف راهنمایی کرده است. تا حد زیادی، اشتیاق مردم به غذا درباره تمایل به تجربه فرهنگ و آداب و رسوم محلی مکان‌های مختلف است.

توسعه سریع اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر باعث ایجاد جامعه‌ای جوان شده است که ویژگی آن سبک زندگی متنوع با هویت‌ها و مشاغل متعدد است. در روز، آنها ممکن است طراحان، برنامه‌نویسان و کارمندان شرکت باشند، لباس حرفه‌ای بپوشند و در ساختمان‌های اداری قدم بزنند. در شب، آنها ممکن است پخش‌کننده‌های استریم باشند که با شوروشوق در مقابل دوربین صحبت می‌کنند یا مربیان تناسب اندام در سالن بدن‌سازی باشند یا رانندگانی هستند که مشتریان را به مقصدشان می‌رسانند. از آنجایی که این جوانان اغلب خود را با نمادهای اسلش معرفی می‌کنند، مثلاً نویسنده/تصویرگر/عکاس، به آنها «جوان اسلش» می‌گویند.

در عصر فن‌آوری اطلاعات، توسعه اقتصاد پلتفرمی، اقتصاد گیگ و اقتصاد جمع‌سپارانه، دسته‌های شغلی متنوع، فرصت‌های شغلی و روش‌های کار، غنای اطلاعات آنلاین و توسعه فن‌آوری اینترنت تغییر نقش‌های حرفه‌ای را آسان‌تر کرده است. ظهور صنعت خدمات به افراد، این امکان را داده است که افراد به ارائه‌دهندگان خدمات مستقل تبدیل شوند. «جوانی اسلش» مترادف با نگرش جامعه نسبت به زندگی شده است: اشتیاق برای قرارگرفتن دائمی در معرض چیزهای جدید، کسب دانش جدید، تلاش برای مشاغل جدید و داشتن تجربیات جدید زندگی. مطالعه‌ای نشان می‌دهد که تعداد «جوانان اسلش»، عمدتاً متولدین دهه ۱۹۸۰ و متولدین قبل از سال ۱۹۹۵، از مرز ۸۰ میلیون نفر در سراسر کشور گذشته است. ظهور این گروه نه‌تنها به یک مد اجتماعی تبدیل شده است بلکه ارزش فرهنگی جدیدی را نیز ایجاد کرده است.

فرهنگ، اقتصاد را قادر می‌سازد تا پایه‌های عمیق‌تر و اقتصاد به فرهنگ اجازه می‌دهد تا ارزش‌های متنوع‌تری ایجاد کند. عناصر فرهنگی در محتوای فعالیت‌های اقتصادی یا روند توسعه اقتصادی غالب است. مفهوم فرهنگ همیشه غنی و رشد قارچ‌گونه پدیده‌های فرهنگی، به‌طور کامل، منعکس‌کننده تعقیب انسان‌گرایانه در اقتصاد است. پدیده‌های فرهنگی، فرایندها و شیوه‌های کار پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» را تفسیر می‌کند و توسعه اقتصادی را به حداکثر می‌رساند و در عین حال میراث فرهنگی را نیز ترویج می‌کند.

## توسعه اقتصادی، محیط فرهنگی را می‌سازد

با موفقیت بی‌نظیر در المپیک زمستانی ۲۰۲۲ پکن، تاریخ طولانی منطقه پکن-ژانگجیاکو، فرهنگ غنی و مناظر دلپذیر که با حلقه‌های المپیک که در سراسر جهان می‌درخشند، حک شده است. به لطف ساخت امکانات ورزشی، یکپارچه‌شدن خاطرات المپیک و توسعه شتابان این منطقه، منطقه پکن-ژانگجیاکو که دارای میراث فرهنگی عمیقی است، میزبان گردشگران ورزشی و محیط فرهنگی جدید است.

فضای فرهنگی جدید فرصت‌های جدیدی را برای توسعه منطقه فراهم کرده است. طرح ساخت کمربند گردشگری ورزشی و فرهنگی پکن-ژانگجیاکو در سال ۲۰۲۲ مطرح شد. این کمربند منابع غنی فرهنگی، گردشگری و ورزشی را در مسیری که با هم هم‌سو شدند، به کار بست: مانند مکان‌های المپیک، ورزش‌های یخی و برفی، سایت‌های میراث صنعتی، دیوار بزرگ و چشم‌انداز طبیعی. نقشه گردشگری منتشر شد و توسعه در منطقه هماهنگ شد تا انگیزه قوی به رشد اقتصادی آن اضافه شود.

از منظری وسیع‌تر، مبادلات منطقه‌ای، همکاری و توسعه یکپارچه می‌تواند فضای فرهنگی جدیدی ایجاد کند و محیط فرهنگی جدیدی را برای منطقه بسازد. به‌عنوان مثال، ساخت منطقه پکن-تیانجین-هبی، دلتای رودخانه یانگ تسه و منطقه خلیج بزرگ گوانگدونگ-هنگ کنگ-ماکائو، سه منبع اصلی نیروی محرکه برای توسعه باکیفیت، به مردم در این مناطق کمک کرده است و از نظر فرهنگی مناطق دیگر را واداشته تا هویت فرهنگی خود را قوی‌تر کنند تا از این رو، توسعه اقتصادی منطقه را به سطح بعدی برساند.

در یک زمینه حتی گسترده‌تر، پیشرفت تاریخی، زمان‌های تغییر و ارتقای فن‌آوری توسعه صنایع بیشتری را ارتقاء داده و نحوه کار، زندگی و اجتماعی‌شدن مردم را تغییر داده است. به‌عنوان مثال، توسعه صنعت حمل‌ونقل و اطلاعات به‌طور چشمگیری فاصله را کوتاه، در زمان کار و زندگی مردم صرفه‌جویی و در یک کلام همه چیز را راحت‌تر و کارآمدتر کرده است. در چنین محیط فرهنگی جدیدی، رفتار کاری، فلسفه زندگی و سبک شبکه‌سازی افراد نیز تغییر کرده است. این نشان می‌دهد که فضای فرهنگی از توسعه اقتصادی حمایت می‌کند و دومی، اولی را ارتقاء می‌دهد. تعامل و توسعه یکپارچه فرهنگ و اقتصاد، محیط فرهنگی را بازسازی می‌کند که می‌تواند به محیط جدیدی برای رشد اقتصادی، ارتقای توسعه اقتصادی، میراث فرهنگی و پیشرفت تاریخی تبدیل شود.

## توسعه نوآورانه، روح انسان‌گرایی را شکل می‌دهد

با تلاش‌های بی‌وقفه و طاقت‌فرسا در چند سال گذشته، مردم چین یکی پس از دیگری قله‌های علم و فن‌آوری را فتح کرده‌اند: از انتقال فضانوردان به ایستگاه فضایی تیانگونگ که چین به‌تنهایی آن را ایجاد کرده است تا هوش مصنوعی تا سنتز نشاسته با فتوسنتز گیاهی برای قادر ساختن تلسکوپ «چشم آسمان چین» برای تشخیص انفجار رادیویی سریع تکرار شونده مداوم و همچنین توسعه فن‌آوری انرژی هسته‌ای نسل سوم کشور از طریق پروژه نمایشی «هوالونگ وان» تا ساخت یک مسیر ناوبری جهانی. نوآوری، اولین نیروی محرکه برای توسعه است و استراتژی توسعه مبتنی بر نوآوری یکی از استراتژی‌های اصلی چین برای رشد است که پاسخی قوی به موضوعات زمانه است: ایجاد یک الگوی جدید برای توسعه و ترویج توسعه باکیفیت. از زمان‌های قدیم، نوآوری، نیروی محرکه درون‌زای تمدن چین و منبع قدرت برای میراث و توسعه فرهنگ چینی بوده است. ایده‌های نوآورانه چین از طریق تعامل با اقتصاد، همچنان به قوت خود باقی مانده است و شکوه و جلال خود را در طول زمان تأیید و بخشی از شخصیت ملت چین و روح انسان‌گرایی آن شده است.

راه‌آهن چین-لائوس، پروژه‌ای شاخص زیر نظر ابتکار کمربند و جاده، در دسامبر ۲۰۲۱ افتتاح شد و به لائوس کمک کرد تا رویای خود را برای تبدیل شدن به یک کشور متصل به خشکی از یک کشور محصور در خشکی محقق کند. در آستانه بازشدن راه‌آهن به روی ترافیک، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین نامه مشترکی از ۹ دانشجوی لائوس دریافت کرد که در شانگهای مهندسی راه‌آهن خوانده بودند. روی آن نوشته شده بود: «پیشرفته‌ترین راه‌آهن جهان که از چین تا لائوس امتداد دارد، با قلب هر یک از ما مرتبط است...»

چین، در طول یک دهه از اولین پیشنهاد ابتکار راه‌آهن و جاده، بیش از سه‌چهارم کشورهای جهان و ۳۲ سازمان بین‌المللی را برای مشارکت جذب کرده است و مقیاس سرمایه‌گذاری نزدیک به یک تریلیون دلار آمریکا را افزایش داده است. این جاده امید که خاطرات تمدن‌ها و رویاهای آینده را با خود حمل می‌کند، معجزه توسعه جهانی را یکی پس از دیگری ایجاد کرده است: کنیا اکنون اولین راه‌آهن مدرن خود را دارد، مالدیو اولین پل بین دریای خود را دارد، بلاروس صنعت خودروسازی خود را دارد، بندر پیرئوس در یونان سرزندگی خود را بازیافته و کارخانه فولاد اسمدروو در صربستان به افتخارات جدیدی دست یافته است.

ارزش‌های «یک جهان، یک خانواده» «ایجاد توازن بین عدالت و منافع با اولویت عدالت» و «قراردادن هماهنگی در اولویت اول و پیگیری هماهنگی در تنوع»، تغذیه فرهنگی فراوانی برای ساخت مشترک ابتکار راه‌آهن و جاده و توسعه جهان فراهم کرده است. چین، توسعه اقتصادی و پیشرفت جهانی را همراه با روح انسان‌گرایانه و شعار «توسعه خود برای کمک به دیگران» شکل داد. این نه‌تنها شکل جدیدی از تمدن بشری است که توسط نوسازی چینی ایجاد شده است بلکه شکل جدیدی از تمدن انسانی است که در ساختن جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک برای بشریت توسعه یافته است.

### روش‌شناسی توسعه یکپارچه علوم انسانی و اقتصاد

روزگار مادر ایده‌هاست. عمل منبع تئوری است. همه تئوری‌های زمانه‌ساز محصول برآوردن نیازهای زمانه است. نظریه‌هایی که برای مشاهده زمان، درک زمان و هدایت زمان به کار می‌روند، باید صدای زمان را منعکس کنند. آنها باید با رویه‌های زمانه در ارتباط باشند اما به خلاصه کردن تجربیات عملی و متراکم کردن آن در جوهر ایدئولوژیک زمان ادامه دهند.

شی جین پینگ

همان‌طور که نور خرد در طول تاریخ می‌درخشد، می‌توان یافته‌های جدیدی را از چیزهای قدیمی برای هدایت آینده استخراج کرد. به گفته کنفوسیوس فیلسوف چین باستان، سه شرط لازم برای سعادت و توسعه یک ملت عبارت است از «**جمعیت شکوفا**»، «**اقتصاد مرفه**» و «**نظام آموزشی پیشرفته**» که به مردم، اقتصاد و فرهنگ اشاره دارد. از آغاز دوره جدید، تحت هدایت شی جین پینگ اندیشه سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی برای یک دوره جدید، حزب کمونیست چین درک خود را از قوانین توسعه اقتصادی و اجتماعی و قوانین ساخت اقتصادی سوسیالیستی عمیق‌تر کرده است. صدها میلیون نفر را متحد کرده و به غلبه بر مشکلات و مبارزه سرسختانه، دستیابی به دستاوردهای مشهور جهانی و تجسم آشکار قدرت عملی پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، هدایت کرده است. تمرکز بر سه عنصر مهم مردم، فرهنگ و اقتصاد، مدیریت صحیح روابط مادی و روحی، سنت و مدرنیته، کارآمدی و تعادل و نیز خوداتکایی و یادگیری متقابل به معنای اساسی عمل دینی انسان‌شناسی در جهان جدید تبدیل شده است.



شکل ۲: سه شرط لازم برای سعادت و توسعه یک ملت از منظر کنفوسیوس

#### ۱. درک رابطه بین ماده و روح

تمدن‌های مادی و معنوی همه دستاوردهای بشری را در درک و دگرگونی جهان خلاصه و متبلور می‌کنند. متعهد ماندن به هماهنگی توسعه تمدن مادی و تمدن معنوی نه تنها یک موضوع نظری عمده بلکه یک گزاره عملی قابل توجه است. «از آنجایی که آسمان خراش‌ها هم‌چون جنگل در سراسر کشور ما ساخته می‌شوند، آسمان خراش روح طبیعت چینی نیز باید با شکوه خودنمایی کند»<sup>۳۹</sup>. درک درست رابطه بین تمدن مادی و تمدن معنوی و ارتقای مستحکم رفاه مادی و معنوی همه مردم، اساسی است.

<sup>۳۹</sup>. شی جین پینگ: سخنرانی در انجمن ادبیات و هنر، خبرگزاری شین هوا، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۵.

## الزامات نوسازی سوسیالیستی و مفهوم عمیق پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»

گزارش بیستمین کنگره ملی حزب کمونیست چین اشاره کرد که نوسازی چین تمدن مادی و معنوی را هماهنگ می‌کند. چین به‌طور مداوم در حال ساختن یک پایه مادی محکم برای مدرن‌سازی و تحکیم شرایط مادی زندگی شاد برای مردم خود بوده است. در همین حال، چین به‌شدت در حال توسعه فرهنگ سوسیالیستی پیشرفته، تقویت آموزش آرمان‌ها و اعتقادات، به‌ارث‌بردن تمدن چین و ترویج غنی‌سازی همه‌جانبه مواد و توسعه همه‌جانبه مردم بوده است.

دنیای مادی، دنیای معنوی را تضمین می‌کند. مردم فقط با پایه مادی سالم می‌توانند زندگی معنوی داشته باشند. در پیشبرد نوسازی چین، حزب کمونیست چین به‌طور مداوم، ثروت مادی و شرایط اقتصادی مستحکمی را ایجاد و آرزوی مردم برای زندگی بهتر را برآورده کرده است. از زمان ورود به عصر جدید، چین از لحاظ تاریخی فقر مطلق را از بین برده است، به یک جهش تاریخی از یک کشور کم‌درآمد به کشوری با درآمد متوسط و روبه‌بالا دست یافته و بهبودی همه‌جانبه را در زندگی مردم خود ایجاد کرده است.

دنیای معنوی دنیای مادی را شکل می‌دهد. بدون هدایت فعال فرهنگ پیشرفته، غنی‌سازی چشم‌گیر دنیای معنوی مردم و تقویت مستمر اخلاق ملی، امکان ندارد کشور یا ملتی در میان ملت‌های جهان قد علم کند. پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به تأمین تغذیه معنوی غنی برای برآورده کردن انتظارات جدید مردم برای زندگی بهتر ادامه داده است. از زمان ورود به عصر جدید، چین در حال تکمیل سیستم خدمات فرهنگی عمومی خود بوده و بیش از ۳۰۰۰ کتابخانه عمومی و بیش از ۳۰۰۰ مرکز فرهنگی ایجاد کرده و بیش از ۹۰ درصد موزه‌ها را به‌صورت رایگان افتتاح کرده است.

همان‌طور که تضاد اصلی در جامعه چین به تضاد بین نیازهای روزافزون مردم، برای زندگی بهتر و توسعه نامتعادل و ناکافی تبدیل شده است، مردم نه‌تنها الزامات بالاتری را برای رفاه مادی خود تعیین کرده‌اند بلکه خواسته‌های روزافزونی برای غنی‌سازی معنوی خود نیز دارند. این تلاش خستگی‌ناپذیر حزب کمونیست چین است که توسعه هماهنگ تمدن مادی و تمدن معنوی را به‌طور کلی ارتقاء دهد و الگوی توسعه‌ای را دنبال کند که در آن زندگی مادی و زندگی معنوی یکپارچه شده و متقابلاً تقویت شوند.

## ۲. درک رابطه بین سنت و مدرنیته

طبق کتاب کلاسیک چینی باستان یی‌جینگ (آی‌چینگ) یا کتاب تغییرات: «اگر مردم با فرهنگ، از جمله آیین‌ها، قوانین و مقررات آموزش ببینند، در عمل خود میانه‌روی می‌کنند، کاری را که باید انجام می‌دهند انجام می‌دهند و در جایی متوقف می‌شوند که باید». استفاده از قدرت تمدن برای کمک به مردم برای دستیابی به کمال، روح انسان‌گرایانه‌ای است که مردم چین باستان از آن حمایت می‌کردند. در چارچوب پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، فرهنگ نه‌تنها محصول تولید اجتماعی است بلکه در فرآیند تولید نیز مشارکت دارد. این پارادایم بهره‌وری خاص را تشکیل می‌دهد و روابط تولیدی را ایجاد می‌کند که بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارد. فرهنگ پیش‌رو می‌تواند به‌طور مستمر مفهوم توسعه اقتصادی را غنی کند و ارزش بیشتری به محصولات اقتصادی بیافزاید. همچنین فرهنگ می‌تواند تحول صنعتی را ارتقاء بخشد و همچنان خود را به محرکی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی تبدیل کند.

پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» محصول ترکیب اصول اساسی مارکسیسم با واقعیت‌های خاص چین و با فرهنگ سنتی و مطلوب چین است. درک رابطه بین سنت و مدرنیته، مدیریت صحیح رابطه بین فرهنگ سنتی و مطلوب چین و تمدن مدرن چینی است.

فرهنگ سنتی، شالوده و ریشه تمدن مدرن است که مظهر پیشرفت و توسعه در سیر تحول تاریخ بشر و محصول اجتناب‌ناپذیر تمدن بشری است. فرهنگ‌های سنتی شکل‌گرفته و انباشته‌شده در تاریخ، مبنای تحقق تمدن مدرن هستند. انکار فرهنگ سنتی مساوی است با انکار تاریخ، نفی اخلاق ملی و بریدن مصنوعی از «ریشه» خود.

باید ریشه‌های فرهنگی خود را گرامی بداریم. از زمانی که سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی وارد عصر جدیدی شد، حزب کمونیست چین به‌وضوح بیان کرده است که «اعتماد به فرهنگ فردی که شکلی گسترده‌تر، عمیق‌تر و اساسی‌تر از اعتمادبه‌نفس است،

اساسی‌ترین، عمیق‌ترین و پایدارترین منبع قدرت برای توسعه یک کشور و یک ملت است». حزب، همچنین «دو ترکیب» را ساخته است (یعنی ترکیب اصول اساسی مارکسیسم با واقعیت‌های خاص چین و فرهنگ سنتی و مطلوب چینی)؛ به‌عنوان رویکرد اساسی برای ترویج انطباق مارکسیسم با بافت چینی و نیازهای زمانه. حزب در حمایت از اصول اساسی و ایجاد زمینه‌های جدید، تحول خلاق و توسعه نوآورانه فرهنگ سنتی و مطلوب چینی را برای ایجاد فضای جدیدی برای فرهنگ چینی و تحریک حیات جدید تمدن چین ترویج کرده است. به‌عنوان مثال، سیستم ماهواره‌ای ناوبری بی‌دو، مأموریت‌های ماه چانگ‌ای، ماهواره اکتشاف خورشیدی شی‌هه، کاوشگر مریخ تیان‌ون-۱ و برنامه هسته ایستگاه فضایی تیان‌هه نشان می‌دهند که نام یک‌سری از دستاوردهای علمی و فن‌آوری مهم چین با سنت فرهنگی حک شده است. در چین معاصر، روح فرهنگ سنتی و مطلوب چینی، دائماً نشاط جدید و قدرتمندی را آزاد می‌کند و به تمرین پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» تغذیه‌رسانی می‌کند.

تمدن مدرن میراث و نوآوری فرهنگ سنتی است. لازم است فرهنگ سنتی در عین به‌ارث‌بردن آن توسعه یابد و با رعایت اصول اساسی، زمینه جدیدی را برای پیوند و تلفیق بهتر تمدن مدرن با فرهنگ سنتی ایجاد کرد. بازی‌های المپیک زمستانی پکن جهان را شگفت زده کرد و تصویر چین را در دوره جدید به‌عنوان کشوری مطمئن، فراگیر و باز به نمایش گذاشت. بهشت تانگ در شیآن، گردشگران را تا یک هزاره پیش، عقب برد تا نشان دهد که روح فرهنگ چینی مانند اقیانوسی است که همه رودخانه‌ها را می‌پذیرد. مجموعه‌ای از میراث‌های فرهنگی مانند محور مرکزی پکن و کانال بزرگ پکن-هانگژو احیاء و محبوب شده‌اند و جذابیت جدیدی از دوران جدید را تابش می‌کنند: **فرهنگ چینی باشکوه و خیره‌کننده است.**

حزب کمونیست چین، درحالی‌که نوسازی چین را پیش می‌برد، تمدن چین باستان را به پیش می‌برد و دستاوردهای عالی آن را بدون از دست دادن مسیر و انجام اشتباهات مخرب، منتقل می‌کند. در این میان، حزب، آخرین دستاوردهای تمدن بشری را پذیرفته است و در جریان پیشرفت‌های روزگار قرار می‌گیرد. حزب کمونیست چین، با انتقال میراث جدید، نسل‌به‌نسل از آن محافظت می‌کند و به‌طور مؤثر با چالش‌های مختلف در مسیر نوسازی مقابله می‌کند.

### ۳. درک رابطه بین کارایی و تعادل

کارایی و برابری دو هدف اصلی سیاستی هستند که توسط توسعه اقتصادی و اجتماعی دنبال می‌شوند و همچنین دو معیار ارزیابی بنیادی هستند که پیشرفت جامعه بشری را با آن اندازه‌گیری می‌کنند. کارایی و تعادل از مسائل مهمی بوده است که فیلسوفان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان همواره به آن پرداخته‌اند و قرن‌ها مورد بررسی و بحث بوده است. به‌ویژه هنگامی که تغییرات مهمی در سیاست و اقتصاد اجتماعی رخ می‌دهد، رابطه بین کارایی و برابری به‌طور مداوم به‌عنوان کانون توجه مردم ظاهر می‌شود. همچنین رابطه مهمی است که انسان‌شناسی در دوره جدید باید آن را درک کند.

تمرین پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به معنای ایجاد تعادل، ترویج و یکسان‌سازی رابطه بین کارایی و برابری است. ما نباید یک‌طرفه کارایی را دنبال کنیم. این کار باعث ایجاد «اثر متیو» می‌شود: ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند. همچنین نباید یک‌طرفه به دنبال برابری باشیم که می‌تواند نشاط اجتماعی را خفه کند.

عدالت مبتنی بر کارایی است و باید برای «بزرگ‌تر کردن کیک» به کار رود. از یک مقایسه افقی، مدل‌های توسعه نوسازی انسانی با بهبود کارایی تولید و گسترش مقیاس توسعه مشخص می‌شوند. از روی عمل پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، حزب کمونیست چین کاملاً دریافته است که برای دستیابی به نوسازی سوسیالیستی، حفظ رشد اقتصادی معقول و پایبندی به «توسعه به‌عنوان اصل مطلق» ضروری است. این حزب کیفیت و کارایی سیستم عرضه را از طریق اصلاحات ساختاری در سمت عرضه بهبود بخشیده و با ساده‌سازی بیشتر مدیریت و تفویض اختیار، نشاط بازار را تحریک کرده است. همچنین، با کاهش قابل توجه مالیات‌ها و هزینه‌ها، بار شرکت‌ها را کاهش داده و بازار ملی یکپارچه ایجاد کرده و اصلاحات پیشرفته برای تخصیص عوامل تولید مبتنی بر بازار انجام داده است. از زمان برگزاری هجدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، یک‌سری اقدامات اصلاحی انجام شده است که به‌طور چشمگیری کارایی توسعه اقتصادی و اجتماعی را افزایش داده است.

برابری، پیش‌نیاز کارآمدی است و ما باید با به‌اشتراک‌گذاری عادلانه «کیک» نتایج توسعه را ترویج دهیم. سوسیالیسم، به معنای فقر، نابرابری ثروت و قطبی‌شدن نیست. نوسازی چین یکی از سعادت‌های مشترک برای همه مردم است که بر حفظ و ترویج تعادل و عدالت اجتماعی، تلاش برای پیشبرد رفاه برای همه، جلوگیری از قطبی‌شدن مطلق و اجازه همگانی برای سهم‌شدن در ثمرات اصلاح و توسعه و مشارکت در ساخت نوسازی تأکید دارد. این امر مستلزم کارایی بالاتری نسبت به سرمایه‌داری است و به‌طور مؤثرتری از برابری اجتماعی پشتیبانی می‌کند و از این طریق، به ارتقای متوازن و متقابل و وحدت بین کارایی و تعادل دست می‌یابد. از بهبود سیستم توزیع درآمد تا ترویج یکسان‌سازی خدمات عمومی تا پرداختن به نابرابری‌های منطقه‌ای، نابرابری‌های شهری و روستایی و شکاف درآمد، چین مجموعه‌ای از مفاهیم ایدئولوژیک، ترتیبات نهادی و اقدامات سیاستی را برای ارتقای رفاه عمومی برای همه مردم ایجاد کرده است که به پایه ارزشمند و متمایز نوسازی به سبک چینی تبدیل شده است.

#### ۴. درک رابطه بین خوداتکایی و یادگیری متقابل

خوداتکایی و یادگیری متقابل به رابطه بین خوداتکایی فرهنگی و قدردانی متقابل در میان تمدن‌ها اشاره دارد. خوداتکایی فرهنگی به معنای جست‌وجوی «هماهنگی در تنوع» در میان فرهنگ‌ها است و کشورهای مختلف متعهد به استقلال و خوداتکایی فرهنگ‌ها هستند و به نوآوری خود در یک ابتکار تاریخی، معنوی، با درجه بالایی از فرهنگی ادامه می‌دهند. این به معنای آگاهی و اعتماد راسخ به فرهنگ خود است. یادگیری متقابل در میان تمدن‌ها به تقویت مبادلات و قدردانی متقابل بین تمدن‌های مختلف جهان اشاره دارد که زیربنای انسانی برای ساختن شکل جدیدی از تمدن بشری است. اتکاء به خود و یادگیری متقابل یک رابطه درونی متقابل و سازگار دارند. درک رابطه بین این دو، روشن کردن منطق توسعه درون‌زا و برون‌زا در نوسازی چین است.

شی جین‌پینگ، خاطر نشان کرده است که ما باید اعتماد خود را به فرهنگ خود تقویت و بر ادامه مسیر خود پافشاری کنیم. خود را در مسیر اقدامات مهم تاریخی و معاصر کشور چین قرار دهیم و از اصول چینی برای خلاصه‌کردن تجربه چین، ارتقاء آن به تئوری چینی و دستیابی به استقلال معنوی استفاده کنیم. متعهدماندن به مسیر چین برای نوسازی به‌طور مستقل به معنای از بین بردن تفاوت‌های تمدن‌ها نیست و همچنین به معنای رد دستاوردهای پیشرفته سایر تمدن‌ها نیست. تمدن‌ها از طریق مبادلات رنگارنگ و با یادگیری متقابل غنی‌تر می‌شوند. بشریت همواره از طریق برخورد و درک متقابل ملل و فرهنگ‌های مختلف رو به جلو بوده است.

خوداتکایی اساس و پیش‌نیاز یادگیری متقابل است که بر ابتکار معنوی تاریخی تأکید دارد. بدون روح، انسان نمی‌تواند خود را در جامعه تثبیت کند و کشور نمی‌تواند قوی باشد. سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی نه تنها از راهنمایی‌های علمی مارکسیسم پیروی می‌کند بلکه خرد سنتی بیش از ۵۰۰۰ سال تمدن چین را نیز در خود یکپارچه کرده است. این ثمره یکپارچه اصول اساسی مارکسیسم با واقعیت‌های خاص چین و فرهنگ سنتی خوب آن است. چین با تبعیت و توسعه سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی و ترویج توسعه هماهنگ تمدن‌های مادی، سیاسی، معنوی، اجتماعی و بوم‌شناختی، مسیر جدیدی به سوی مدرن‌شدن و شکل جدیدی از تمدن انسانی ایجاد کرده است.

یادگیری متقابل، شرایط مساعدی را برای خوداتکایی ایجاد می‌کند و نیازمند مبادلات باز، پذیرا و فراگیر است. خوداتکایی جوهر فرهنگی خود را حفظ و در عین حال تأثیرات خارجی را جذب می‌کند. تمدن چین در فرازونشیب‌های بیش از ۵۰۰۰ سال بدون وقفه باقی مانده است. از طریق تعاملات فرهنگی مستمر و یکپارچه با فرهنگ‌های دیگر، عمیق‌ترین خرد و تعقیب تمدن چینی را انباشته کرده و منبعی غنی برای شکوفایی و رشد ملت چین فراهم آورده است. نگرش به دنیای «هماهنگی در تنوع» زیربنای تمدن چین است و هویت معنوی منحصر به فرد ملت چین را نشان می‌دهد. پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» جوهره فرهنگ‌های بیگانه را با ذهنی وسیع می‌پذیرد و آنها را در خود می‌گنجاند. این پارادایم فرهنگ‌های دیگر را پیوسته هضم، یکپارچه و نوسازی می‌کند تا دیدگاهی تمدنی از برابری، یادگیری متقابل، گفت‌وگو و مدارا را ایجاد کند. کشور چین از تنوع تمدنی و این امر حمایت می‌کند که باید اجازه دهیم تبادلات فرهنگی از بیگانگی فراتر رود. اجازه دهیم یادگیری متقابل از برخوردها و هم‌زیستی از احساس برتری فراتر رود.





### کمک به جهان: ایجاد شکل جدیدی از پیشرفت بشر

ما آماده همکاری با جامعه بین‌المللی هستیم تا چشم‌انداز جدیدی برای تبادلات و تفاهم بیشتر میان مردمان مختلف و تعاملات بهتر و یکپارچه فرهنگ‌های متنوع ایجاد کنیم. با هم می‌توانیم باغ تمدن‌های جهان را رنگارنگ و سرزنده بسازیم.

شی جین پینگ

نوسازی هدف مشترک بشریت است. نوسازی در گذشته بهره‌وری را به سرعت توسعه داد اما مجموعه‌ای از مشکلات جهانی مانند تمایلات بیش‌ازحد مادی، قطبی‌شدن درآمد و آلودگی محیط‌زیست را به همراه داشت. رویه نوسازی چینی، علم انسان‌شناسی را در عصر جدید ایجاد کرده که شکل جدیدی از پیشرفت بشر را پیشنهاد می‌کند و الهام‌بخش پیشرفت بشر است.

### ۱. ترویج «بازگشت انسانی» اقتصاد

علم اقتصاد به‌عنوان نظریه‌ای که به مطالعه و تبیین قوانین رفتار اقتصادی انسان و توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد، بر دو مورد فوق نیز تأثیر می‌گذارد و منعکس‌کننده آن است.

اقتصاد متأثر از عقل‌گرایی غربی، به‌تدریج سنت انسان‌گرایی اولیه را کنار گذاشته و افراد جامع و واقعی با نیازهای چندبعدی را به یک «انسان اقتصادی» یک‌طرفه و منطقی که در پی به‌حداکثر رساندن فایده شخصی است، تقلیل داده است.

با این حال، «انسان اقتصادی» بالاخره تنها یک بعد انسان است. با هدایت تئوری اقتصادی مبتنی بر فرضیه «انسان اقتصادی»، مردم به توسعه اقتصادی سریع دست یافته‌اند که منجر به مشکلات بسیاری مانند بیگانگی از طبیعت انسانی، مادی‌گرایی و نابرابری ثروت شده است.

رونالد هری کوز، برنده جایزه یادبود نوبل در اقتصاد و بنیان‌گذار اقتصاد نهادی جدید، در دهه ۱۹۹۰ پیشنهاد کرد که رشته اقتصاد از یک علم اخلاقی درباره خلق ثروت توسط مردان به منطق سرد تخصیص منابع، به بهای ازدست‌دادن عمق و غنای طبیعت انسانی، تغییر کرده است. اقتصاد مدرن دیگر مطالعه انسان نیست و ریشه‌های خود را از دست داده و از واقعیت‌های اقتصادی منحرف شده است.

در مقایسه با جریان اصلی اقتصاد غربی مبتنی بر فرضیه «انسان اقتصادی» و شیوه‌های اقتصادی تحت هدایت آن، انسان‌شناسی دوران جدید که از رویه چینی بیرون آمده است، حاوی قوانین کلی توسعه اقتصادی است و ایده «بازگشت انسانی» را ترویج می‌کند. این رویکرد به رویکرد مردم‌منا پایبند است، ذهنیت و نیازهای چندبعدی مردم را به‌طور کامل در نظر می‌گیرد و بر چگونگی برآورده کردن آرمان‌های مردم برای زندگی بهتر تمرکز دارد. این رویکرد توسعه آزاد و همه‌جانبه‌نهایی مردم را هدف قرار می‌دهد. ایده «بازگشت انسان‌گرایانه» در درک‌های مختلف و پیگیری‌های نوسازی نیز منعکس می‌شود. از منظر پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، نوسازی فقط مربوط به «چیزهایی» مانند رشد اقتصادی، پیشرفت علم و فن‌آوری و فراوانی مادی نیست بلکه درباره «مردم» نیز هست. شی جین پینگ خاطر نشان کرد: «هدف نهایی نوسازی، توسعه آزادانه و همه‌جانبه مردم است. برای این که مسیر نوسازی به‌خوبی کار کند، باید مردم را در اولویت قرار داد؛ ارائه زندگی شاد و باثبات برای مردم».

در حال حاضر، توجه بیشتری از سوی جهان به نوسازی چین معطوف شده است؛ نه تنها به دلیل معجزه رشد اقتصادی آن که چین را از یک کشور کشاورزی فقیر و عقب‌مانده به‌سرعت به دومین اقتصاد بزرگ جهان سوق داده است بلکه به دلیل تعهد مداوم چین به اولویت‌دادن به مردم و دستیابی به نوسازی. چنین نوسازی به نفع جمعیت وسیعی است و رفاه عمومی را برای همه تضمین می‌کند. نوسازی چینی تمدن‌های مادی و معنوی را هماهنگ کرده، هم‌زیستی هماهنگ بین بشر و طبیعت را ترویج و مسیر توسعه صلح‌آمیز را دنبال می‌کند و در نتیجه آن، شکل جدیدی از تمدن بشری ایجاد می‌شود.

## ۲. شکستن «پارادوکس انسانی» رشد اقتصادی

چگونه بین کارایی و تعادل، هم‌وزنی برقرار کنیم؟ چگونه توسعه و حفاظت را هماهنگ کنیم؟ می‌توان پیشرفت‌هایی مادی داشت که با فرهنگ و اخلاق هم‌گام باشد؟ هیچ کشوری نمی‌تواند از پاسخ به این پرسش‌ها، هنگام انتخاب مسیر توسعه فرار کند. در جریان اصلی تئوری اقتصادی غرب، «تضادها» همیشه درباره پرسش‌های بالا وجود دارد. حتی تا حدودی علوم انسانی به‌عنوان عاملی در رشد اقتصادی تلقی می‌شود.

در دهه ۱۹۳۰، اقتصاددان بریتانیایی جان مینارد کینز وقتی داشت جامعه بشری را تصور می‌کرد، سعی کرد «تضاد» بین اقتصاد و بشریت را به این صورت توضیح دهد: «بنابراین، من انسان را آزاد می‌بینم که به برخی از مطمئن‌ترین چیزها بازگردد. اصول دین و فضیلت سنتی این است که بخل و رباخواری گناه و پول‌دوستی نفرت‌انگیز است و آنهایی که در راه فضیلت و خرد عاقلانه گام برمی‌دارند، کمترین فکر را برای فردا می‌کنند. ما یک بار دیگر اهداف را، بالاتر از ابزار، ارزش‌گذاری خواهیم کرد و خوب را به مفید ترجیح خواهیم داد».

امروز، نزدیک به صد سال بعد، فراوانی مادی کشورهای توسعه‌یافته بسیار فراتر از تصور کینز بوده است اما بازگشت بشریت آن‌طور که او انتظار داشت محقق نشده است. برعکس، مشکلات ناشی از انحراف اقتصاد غرب از روحیه انسان‌گرایی جدی‌تر می‌شود. برنامه توسعه سازمان ملل متحد تحت عنوان «گزارش توسعه انسانی ۲۰۲۱/۲۰۲۲» نشان می‌دهد که شاخص توسعه انسانی شاهد کاهش متوالی جهانی برای اولین بار در ۳۰ سال اخیر بوده است. این گزارش همچنین هشدار می‌دهد که توسعه انسانی در اکثر کشورها با بحران‌های متعدد و پس‌رفت مواجه است.

در زمانی که آکادمی جهانی اقتصاد جریان اصلی غرب را دوباره مورد بررسی قرار می‌داد، پارادایم انسان‌شناسی عصر جدید که در مسیر چینی به سمت نوسازی اجرا می‌شد، از دید محدود افکار جریان اصلی غربی فراتر رفته و «پارادوکس انسان‌گرایانه»ی رشد اقتصادی را می‌شکند. از منظر پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید»، اقتصاد و علوم انسانی یکدیگر را محدود نمی‌کنند بلکه می‌توانند هم‌زیستی و ترویج یکدیگر باشند. علوم انسانی می‌تواند به‌طور مثبت رشد اقتصادی را هدایت کند و انگیزه پایدارتری برای تغییر توسعه اقتصادی از توسعه «شتابان» به توسعه «مطلوب» فراهم کند.

تقویت تعامل بین اقتصاد و بشریت به نفع هر دوست. برای مثال، هدف چین از نوسازی آن است که به جمعیت وسیعی سود برساند و رفاه عمومی را برای همه تضمین کند. این بدان معناست که می‌تواند به نفع کل جامعه باشد درحالی‌که تقاضای عظیم بازار را به‌طور هم‌زمان ایجاد می‌کند و منجر به یک جهش تاریخی در قدرت اقتصادی می‌شود.

علاوه بر این، چین به دنبال نوسازی پیشرفت مادی و فرهنگی-اخلاقی است. با انجام این کار، نه تنها زندگی بهتری را برای مردم خود به دست می‌آورد بلکه توسعه اقتصادی و اجتماعی بهتر را با توسعه جمعیتی باکیفیت ارتقاء می‌دهد. همچنین، نوسازی چینی بر هم‌زیستی هماهنگ بین انسان و طبیعت تمرکز دارد که ممکن است رشد اقتصادی را در مراحل خاصی کاهش دهد اما می‌تواند توسعه پایدارتری را به همراه داشته باشد.

«تعقیب خیر مشترک برای همه»، «در آغوش گرفتن جهان با فضیلت» و «هماهنگی بین انسان و طبیعت»... مفاهیم کلاسیک در فرهنگ سنتی و مطلوب چین است و رویکردی روش‌شناختی را به جهان ارائه می‌کند که همان پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» است. این پارادایم رابطه دیالکتیکی بین اقتصاد و بشریت و «پارادوکس انسان‌گرایانه» دیرینه در رشد اقتصادی را می‌شکند.

## ۳. ارائه «تاب‌آوری انسانی» به اقتصاد جهانی

در ژانویه ۲۰۲۳، «تاب‌آوری» در میان سیاستمداران، رهبران تجاری و اقتصاددانان در سرتاسر جهان در مجمع جهانی اقتصاد در داووس، سوئیس، تبدیل به یک کلمه رایج شد. از آنجایی که رشد اقتصادی جهان با کاهش قابل توجهی روبه‌رو شد، به یک اجماع جهانی مبدل شد که جهان برای جلوگیری از رکود اقتصاد جهانی به یک استراتژی طولانی‌مدت و انعطاف‌پذیرتر نیاز دارد.

دنیاى امروز پر از عدم قطعیت است. رویدادهای «قوهای سیاه<sup>۴۰</sup>» و «کرگدن خاکستری<sup>۴۱</sup>» به طور مکرر رخ می دهند و چالش های بزرگی را برای بهبود اقتصاد جهان به همراه دارند. با افزایش شدید مشکلات اقتصادی، جریان اصلی اقتصاد غربی که فاقد تفکر و مراقبت انسانی است، به طور فزاینده ای درمانده شده است. اقدامات مختلفی که کشورهای سرمایه داری برای مقابله با بحران های اقتصادی انجام می دهند ممکن است بتواند مشکلات را کاهش دهد یا به خود کمک کند تا از بحران خارج شوند و پس از رکود وارد مرحله بهبود یا حتی صعود شوند اما آنچه در پی می آید همیشه بحران جدید و بزرگ تر است.

به عنوان مثال، در چند سال گذشته، برخی از کشورها به نام «حفاظت از اقتصاد» سیاست های پولی تسهیل کمی را برای تحریک اقتصاد در پیش گرفته اند. با این حال، منجر به افزایش چشمگیر قیمت دارایی ها، تورم بی سابقه متوالی، افزایش سریع قیمت ها و افزایش بار معیشت مردم شده است. پس از ترکیدن حباب رفاه کاذب، نتیجه، تقسیم بیشتر ثروت و اقتصاد را کد است. افزایش نرخ بهره جهانی ناشی از سیاست های سخت گیرانه در اقتصادهای توسعه یافته، تأثیرات مهمی مانند خروج سرمایه و بحران بدهی برای بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه داشته است.

در مواجهه با چالش های پیچیده و شدید در داخل و خارج، اقتصاد چین انعطاف پذیری قوی نشان داده و به لنگر قدرتمندی برای اقتصاد جهانی تبدیل شده است. در سه سال گذشته، اقتصاد چین با نرخ متوسط سالانه ۴.۵ درصد رشد کرده است که بسیار بالاتر از میانگین جهانی تقریباً ۱.۸ درصد در مدت مشابه است. در حالی که چین تأثیر همه گیری کووید-۱۹ را بر توسعه اقتصادی و اجتماعی به حداقل می رساند، به طور موثری ثبات زنجیره های صنعتی و تأمین جهانی را حفظ کرده و سهم قابل توجهی در بهبود اقتصاد جهانی داشته است. گزارش بانک جهانی نشان می دهد که از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱، میانگین سهم چین در رشد اقتصادی جهان به ۳۸.۶ درصد رسیده است که از ترکیب کشورهای گروه هفت (جی ۷) فراتر رفته است.

عوامل زیادی مانند بازار در مقیاس بزرگ، تعدیل کلان متقابل چرخه ای و ضد چرخه ای و زنجیره صنعتی کامل به انعطاف پذیری اقتصادی چین کمک می کنند. با این حال، «تاب آوری انسانی» چین را نباید نادیده گرفت. بنا به نقل قولی از هوآنینزی، فن لوزون، از سلسله سنتی هان غربی، «به ارمغان آوردن منفعت برای مردم اصل اساسی حکومت است». این ایده، به طرز درخشانی کد انسان گرایانه «مردم مینا» برای انعطاف پذیری اقتصادی چین را آشکار می کند. از آنجایی که جهان دوباره بر سر یک چهارراه تاریخی قرار دارد، کشورهای بیشتری متوجه می شوند که نوسانات چرخه ای اقتصاد وجود دارد اما نقاط شروع، روش ها و مسیرهای متفاوت برای مقابله با بحران ها، رفاه مردم و آینده یک کشور را تعیین می کند.

توسعه برای مردم و توسط مردم است که باید ثمرات آن را به اشتراک بگذارند. راز معجزه اقتصادی چین تفکر مردم مینا برای توسعه است که علم انسان شناسی در دوره جدید از آن حمایت می کند. این یک «مسیر اقتصادی انسانی» برای کشورهای مرجع در حال توسعه فراهم می کند تا تاب آوری اقتصادی آنها را تقویت کند و نوسانات دوره ای آنان را کاهش دهد.

#### ۴. به ارث بردن و انتقال «ژن های انسان گرایانه» در فرهنگ سنتی

«ژن های انسان گرایانه» یک کشور اغلب در فرهنگ سنتی مطلوب آن وجود دارد. پارادایم «انسان شناسی در عصر جدید» با واقعیت ها و ویژگی های چین هم سو است. تجربه توسعه آن نشان می دهد که مسیر نوشتن نباید از سنت های فرهنگی ما منحرف شود. چین به طور کامل از فرهنگ سنتی مطلوب خود استفاده می کند و به دنبال توسعه فرهنگی خلاقانه و نوآورانه است تا یک مدل توسعه مناسب را بر اساس واقعیت های چین طراحی کند.

<sup>۴۰</sup> نظریه قوی سیاه، استعاره ای است که به اثرات شدید ناشی از برخی از رویدادهای غیرقابل پیش بینی و نادر و همچنین تمایل انسان به یافتن توضیحاتی ساده و دم دستی برای این رویدادها می پردازد.

<sup>۴۱</sup> کرگدن خاکستری که در سال ۲۰۱۶ توسط میشل واکر معرفی شد، اشاره به پدیده هایی دارد که علی رغم احتمال بالای وقوع، نادیده گرفته می شوند.

شی جین پینگ خاطرنشان کرد: هر کشور دارای سنت‌های تاریخی، انباشت فرهنگی و شرایط اساسی ملی است و مسیر توسعه آن باید ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد<sup>۴۲</sup>. انسان‌شناسی در دوره جدید از رویه توسعه مبتنی بر ویژگی‌های تمدن چین حمایت و از روی‌آوری به نیازهای مردم چین و تلاش برای شادی مردم آغاز می‌کند.

تاریخ نشان می‌دهد که تقلید صرف از سیستم‌های دیگر کشورها بدون در نظر گرفتن واقعیت‌ها و فرهنگ اولیه داخلی، به ندرت، می‌تواند موفق باشد و حتی ممکن است این ناسازگاری به مشکلات جدی توسعه منجر شود. نوسازی چینی به پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» قدرتی نو می‌بخشد. این یک رونوشت ساده از حالت سایر کشورها نیست بلکه یک نوسازی‌ای است که تمدن باستانی چین را به جلو می‌برد و ریشه عمیقی از واقعیت چینی می‌گیرد.

پارادایم انسان‌شناسی در عصر جدید ممکن است الهام‌بخش کل جهان باشد. این نه مستلزم آن است که دیگر کشورها از تمدن چین الگو بگیرند و نه استاندارد جهانی برای نوسازی ارائه می‌دهد اما نشان می‌دهد که «آنچه برای شما مناسب است، همان، بهترین است».

در مسیر تمدن مدرن هیچ مدل ثابتی ندارد و چین مدل توسعه خود را بر دیگران تحمیل نخواهد کرد. همه تمدن‌ها، غنی و رنگارنگ هستند و با نشاط فراوان برای توسعه. بیشتر تمدن‌های جهانی «ژن‌های انسان‌گرا» دارند. تجربه چین این است که همه کشورها می‌توانند توسعه خود را بر اساس واقعیت‌ها و شیوه‌های خود بنا کنند و نقش فعالی در بهارث‌بردن فرهنگ سنتی مطلوب خود داشته باشند و در عین حال نوآوری و توسعه فرهنگی را ارتقاء دهند. آنها با تکیه بر روحیه و فرهنگ منحصر به فرد کشور یا ملت خود و بهره‌گیری از قدرت توسعه هماهنگ بین مردم، فرهنگ و اقتصاد می‌توانند به‌طور مستقل مناسب‌ترین مسیر را برای توسعه تمدن کشف کنند.

به قول یک ضرب‌المثل چینی، «سنگی که از کوه دیگری گرفته شده است، ممکن است به‌عنوان ابزاری برای صیقل دادن یشم محلی استفاده شود». در تعقیب مستقل نوسازی، همه کشورها می‌توانند نگرش باز و فراگیر اتخاذ کنند، فعالانه از دستاوردهای تمدن‌های برجسته دیگر بیاموزند تا توسعه مدرن و علمی فرهنگ ملی سنتی خود را ارتقاء دهند و شکلی مدرن از تمدن خود ایجاد کنند. آنها حمایت فکری و انگیزه معنوی برای رشد اقتصادی را از این فرآیند به دست خواهند آورد.

## ۵. ترویج «توافق انسانی» جامعه با آینده مشترک برای بشریت

روح انسان‌گرایانه اغلب فراتر از کشورها و مناطق است و به آینده مشترک بشریت اهمیت می‌دهد.

در سنت فرهنگی انسان‌گرایانه چین، «هماهنگی و همکاری» یکی از روح‌های اصلی است و این آرزوی دیرینه ملت چین برای یک جامعه انسانی بهتر از دوران باستان بوده است. این ایده شامل پیوندها میان مردم است؛ مانند حمایت از هماهنگی، ارزش قائل شدن برای صلح و تمرکز بر حکمرانی مثال‌زدنی و روابط هماهنگ بین مردم و کشورها، مانند دوستی با همسایگان، رد ایده قوی قدرتی ضعیف و جست‌وجوی آرمان همه مردم زیر بهشت یک خانواده بودن.

مفاهیم مشابهی در سنت‌های فرهنگی انسان‌گرایانه دیگر کشورها و مناطق نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، همان‌طور که ضرب‌المثلی آفریقایی می‌گوید: «یک ستون برای ساختن خانه کافی نیست». «اگر می‌خواهی سریع بروی، تنها راه برو و اگر می‌خواهی دور بروی، با دیگری راه برو». یک ضرب‌المثل قزاقستانی می‌گوید: «هرجا وحدت وجود داشته باشد، شادی نیز وجود خواهد داشت» و یک ضرب‌المثل آلمانی می‌گوید: «کسانی که به‌تنهایی کار می‌کنند، کار را زیاد می‌کنند؛ آن‌هایی که با هم کار می‌کنند، به کار ضریب می‌دهند». این اندیشه‌ها از عمق قلب مردم برآمده است و اجماعی انسانی در بین بیشتر کشورها در عصر جهانی شدن است.

با ابتکار راه‌آهن و جاده، ابتکار توسعه جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار تمدن جهانی... مفهوم یک جامعه با آینده‌ای مشترک برای بشریت که در اقدامات جمعی انسانی فوق تجسم یافته است، با استقبال پرشور جامعه جهانی روبه‌رو شده است. چین از طریق

<sup>۴۲</sup>. سخنرانی شی جین پینگ در هجدهمین جلسه مطالعه جمعی دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، خبرگزاری شین هوا، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴

اقدامات عملی نشان می‌دهد که پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» متعهد است دست در دست سایر کشورها برای همکاری برد-برد کار کند و کمک‌های ارزشمندی در حل چالش‌های پیش روی اقتصاد فعلی جهانی داشته باشد.

در تعقیب حداکثری منافع مربوطه، اقتصاد مبتنی بر فرض عقلانی «انسان اقتصادی» منطق سرد «بازی حاصل جمع صفر» را به وجود می‌آورد. سناریوی امروز جهان نشان می‌دهد که ظهور احساسات ضدجهانی‌شدن، رشد آشکار یک‌جانبه‌گرایی و حمایت‌گرایی و ظهور موضوعاتی مانند سوءاستفاده از تحریم‌های یک‌جانبه، عمیقاً با خودگرایی و منفعت‌گرایی در اقتصاد غرب مرتبط است.

با طرفداری و پیش‌برد ارزش‌های مشترک همه بشریت از جمله صلح، توسعه، برابری، عدالت، دموکراسی و آزادی، پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» از سنت انسان‌گرایانه در فرهنگ سنتی چینی شروع می‌شود و از «اجماع انسان‌گرایانه» در فرهنگ‌های سنتی همه کشورها پیروی می‌کند. این ایده متعهد به ساختن جامعه‌ای با آینده‌ای مشترک برای بشریت است و به‌طور گسترده توسط جامعه بین‌المللی مورد تحسین قرار گرفته است.

## نتیجه

در تاریخ طولانی تمدن بشری، سنت اومانستی در اولویت قرار دادن مردم را می‌توان در دوران باستان ردیابی کرد. نوسازی مظهر آرزوهای مردم در سراسر جهان برای زندگی بهتر است و باید از سنت مبتنی بر انسان پیروی می‌کرد و هدف آن تحقق توسعه آزاد و همه‌جانبه مردم می‌بود. با این حال، با حرکت از دوران باستان به دوران مدرن، مردم تمایل بیشتری به توسعه تولید، فراوانی مادی و ثروت دارند. پیگیری «مادی» به تدریج از مراقبت از «مردم» فراتر می‌رود و نوسازی به تدریج خود را از سنت‌های اومانستی بیگانه می‌کند یا حتی بر خلاف آن می‌رود.

در طول دو قرن گذشته از انقلاب صنعتی، ثروت مادی ایجاد شده توسط بشر، بسیار فراتر از همه دوره‌های قبلی بوده است و به‌طور قابل توجهی معیشت مردم را بهبود بخشید. با این حال، مشکلات شدیدی نیز به همراه داشت: تشدید دو قطبی شدن درآمد، اکتشاف بیش از حد محیط‌زیست، افزایش یک‌جانبه‌گرایی و حمایت‌گرایی و کسری فزاینده در صلح، توسعه، اعتماد و حکومت و همچنین مادی‌گرایی، لذت‌گرایی و خودمحوری شدید.

## چه بر سر دنیا آمد؟ انسان‌ها باید به کجا بروند؟

در میان تأمل و پرسش روزافزون، سنت‌های انسان‌گرایانه که از اعماق تاریخ طولانی تمدن بشری سرچشمه می‌گیرد، در حال بازگشت هستند. شکوفایی اقتصادی و شکوفایی انسان‌گرایانه همیشه چشم‌انداز ملت چین برای جهانی مطلوب بوده است. چینی‌ها سنت گردآوری آثار کلاسیک و ادبیات را در اوج تاریخ شکل داده‌اند. تعامل و تحریک دوطرفه بین شکوفایی اقتصادی و رشد فرهنگی، فلسفه عمیق ترویج متقابل آنها را تجسم می‌بخشد.

در دوره جدید، رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ بر یکپارچه اصول اساسی مارکسیسم با واقعیت‌های خاص چین و فرهنگ سنتی مطلوب اصرار دارد. وی ضمن تأکید بر کارکرد اساسی اقتصاد و ایده «توسعه، کلید جهانی حل همه مشکلات است» بر نقش فرهنگ در پیش‌برد توسعه اقتصادی تأکید می‌کند و این ایده را مطرح می‌کند که «منطقه با فرهنگ مطلوب در اقتصاد نیز پیش‌تاز است». «فرهنگ تکیه‌گاه مهمی برای ارتقای توسعه باکیفیت است» و «مواجهه با چالش‌های مشترک و ایجاد آینده‌ای بهتر برای همه، نگاه ما به فرهنگ و تمدن برای ایفای نقش خود است که به اندازه نقش اقتصاد، علم و فن‌آوری مهم است». تعامل در دوران معاصر، پایه‌ای محکم برای پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» ایجاد کرد، با موفقیت مسیری را به سوی نوسازی چینی گشود و طرح نوسازی جدیدی را به جهان ارائه کرد.

هر کشور و منطقه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد که به یک اندازه با نور انسانیت می‌درخشد. پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» به مردم الهام می‌دهد تا به ماهیت «نوسازی انسانی» بر اساس واقعیت‌های خاص و سنت‌های انسان‌گرایانه خودشان پایبند باشند، به رویکرد مردم‌مبنا پایبند باشند، بر یک‌پارچه‌سازی فرهنگ و اقتصاد تمرکز کنند و به یک توسعه آزاد و همه‌جانبه برای نوع بشر دست یابند.

تمدن‌ها با تبادل و یادگیری متقابل شکوفاتر و رنگارنگ‌تر شده‌اند. بیایید دست به دست هم دهیم تا دنیایی بهتر و شکل جدیدی از پیشرفت بشر بسازیم!

## توضیحات و تقدیرنامه

گزارش اتاق فکر پارادایم «انسان‌شناسی در عصر جدید» توسط فو هوا، رئیس خبرگزاری شین هوا و رئیس کمیته آکادمیک پژوهش‌های چین جدید خبرگزاری شین هوا، به‌عنوان سرپرست تیم پروژه رهبری می‌شود. لیو یانسانگ، سردبیر ارشد، به‌عنوان معاون تیم و رن ویدونگ، معاون سردبیر، به‌عنوان معاون اجرایی. سایر اعضای تیم پروژه عبارتند از لیو گانگ، کوی فنگ، فو یان، کونگ شیانگ‌شین، چن گانگ، گوئو کیانگ، پانگ مینگ‌گوانگ، یوان جونبائو، ژو که، یو وان، ژو روئی، کای شینی، ژانگ جی، لیو آیهونگ، او. هوی یوان، گائو هونگ‌های، لیانگ جین، فنگ هو و دیگران.

از زمان شروع در می ۲۰۲۳، تیم پژوهش‌هایی بیش از ۶ ماه برای جلسات مطالعه متمرکز، پژوهش‌های عمیق، نوشتن، بازبینی و تصحیح زمان صرف کرده است.

در طول روند نگارش و انتشار گزارش، کارشناسان و پژوهش‌گران از جمله وانگ لیشنگ، دبیر کمیته حزب مؤسسه فلسفه، آکادمی علوم اجتماعی چین، وی پنگجو، رئیس مؤسسه پژوهش‌های فرهنگی و اقتصادی در مرکز دانشگاه مالی و اقتصاد، گائو دبو، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه رنمین چین، یانگ چنگو، معاون دانشکده هنر و ارتباطات در دانشگاه عادی پکن، وانگ شنگ شنگ، معاون دانشکده مارکسیسم در دانشگاه نانکای و گائو لیانکوی، رئیس انجمن چین برای اقتصاد اصیل، کمک‌ها و راهنمایی‌های ارزشمندی ارائه کرده‌اند. از همه آنها صمیمانه تشکر می‌کنیم.